

برندگان و بازندگان، ماتمزدگان آتش بس در چهلمین روز جنگ!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

ایران و آمریکا با یک آتش بس ۱۴ روزه، موافقت کردند. اسرائیل هم با چند ساعت تاخیر اعلام کرده از این آتش بس حمایت خواهد کرد هر چند بر خلاف یکی از شروط ایران، جنگ با حزب الله در لبنان را متوقف نخواهد کرد.

این آتش بس تنها ساعتی مانده به پایان ضرب الاجل تعیین شده از سوی دونالد ترامپ برای هدف قرار دادن تمامی زیرساختها و نیروگاههای ایران حاصل شد. هم تهران و هم واشنگتن، با اعلام پیروزی، از این آتش بس به با میانجی گری پاکستان شکل گرفته است، استقبال کردند. آن طور که گزارش شده قرار است مذاکرات به زودی در اسلام آباد پاکستان آغاز شود. ایران از باز شدن تنگه هرمز برای دو هفته خبر داده است. خبر آتش بس خیلی زود موجب کاهش چشم گیر بهای نفت شد.

در چهلمین روز جنگ ویرانگر که با حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران، آغاز شد ۳۹ روز طول کشید. بی تردید در این ۳۹ روز، مردم اسرائیل و لبنان و کشورهای عربی منطقه، به ویژه مردم ایران با دلهره و بی خوابی و استرس و خود و اشک گذراندند. اکنون این مردم، نیروهای ضدجنگ و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب و کمونیست مخالف دولت های جنگ طلب آمریکا و اسرائیل و ایران سرمایه داری به اصطلاح دموکرات و دیکتاتور، خوشحالند که این جنگ هر چند کوتاه مدت هم باشد قطع گردید. اما این جنگ ماتمزدگانی هم دارد. همه گرایشات راست و فاشیستی و در راس همه رضا پهلوی و طرفدارانش، اکنون سخت دل آزرده و ماتمزده هستند و خود را ابزار دور انداخته به ویژه توسط دولت جنگ طلب و نسل کش اسرائیل می دانند. شاه الهی که از آغاز جنگ تاکنون در خیابان ها و در مقابل نهادهای دولت ها، در تجمعات خود می رقصیدند و از دور دست های روز مانده ترامپ و نتانیاهو را می بوسیدند که به ایران حمله کرده اند اکنون خود را سخت درمانده و ماتمزده می دانند. اما تا آن جا که به مثلث مرگ این جنگ، یعنی دولت های آمریکا و اسرائیل و جمهوری اسلامی برمی گردد خود را پیروز این جنگ خونین و ویرانگر می دانند و هر کدام به نوبه خود افتخار می کنند به جوامع همدیگر چه ضرباتی وارد کرده اند و کدام شان بیش تر آدم کشته اند!

اما اکنون روشن تر از گذشته پیش روی جنبش های اجتماعی ایران و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب و ضدجنگ و ضداستثمار برمی گردد خودسازمان دهی و کمک به نیازمندان و آمادگی خود برای سرنگونی کلیت حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی است. زیرا تا روزی که این حکومت بر جامعه ایران حاکمیت می کند جنگ و خونریزی، سانسور و سرکوب، شکنجه و اعدام، فقر و فلاکت از سر مردم ایران کم نخواهد شد. بنابراین، باید هر چه زودتر از شر این حکومت جانی رها شد.

آمریکا و اسرائیل روز شنبه ۹ اسفند عملیات نظامی گسترده و مشترکی را علیه مواضع جمهوری اسلامی در ایران آغاز کردند. از آن زمان بسیاری از مراکز نظامی و امنیتی و سایت های موشکی و هسته ای جمهوری اسلامی و نیز پایگاه های نیروی انتظامی و بسیج در شهرهای مختلف ایران هدف حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفته است. در دو هفته گذشته نیز چند مرکز زیرساختی ایران، که به تصریح اسرائیل و آمریکا «کاربرد دوگانه» داشته، مورد حمله قرار گرفته اند.



تعليق حمله نظامی به ایران برای مدت دو هفته

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵-۸ آوریل ۲۰۲۶، اعلام کرد در پی گفت‌وگو با شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، و عاصم منیر، فرمانده ارتش این کشور، با تعلیق حمله نظامی به ایران برای مدت دو هفته موافقت کرده است. وی جزئیاتی از پیشنهاد ایران ارائه نکرد، اما افزود که این توافق به «بازگشایی کامل، فوری و امن» برای عبور آزاد کشتی‌ها از تنگه هرمز بستگی دارد که مسیر کلیدی حمل‌ونقل نفت و گاز است.

ایسنا: قالیباف و ونس جمعه در اسلام آباد مذاکره خواهند کرد

خبرگزاری ایسنا، ۱۹ فروردین ۱۴۰۵، نوشته است که ریاست تیم مذاکره‌کننده ایرانی در گفت‌وگوهای روز جمعه بر عهده «محمد باقر قالیباف» رئیس مجلس است. «جی دی ونس» معاون رئیس جمهور آمریکا هیات آمریکایی را سرپرستی می‌کند. توافق آتش‌بس کم‌تر از دو ساعت پیش از پایان ضرب‌الاجل تعیین‌شده از سوی ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز از سوی ایران یا مواجهه با حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی حاصل شد. این توافق به پیشنهاد پاکستان صورت گرفت که از روزها پیش برای کاهش تنش، آتش‌بس و توافق بین ایران و آمریکا تلاش می‌کرد. هنوز جزئیات خواسته‌های دو طرف ایرانی و آمریکایی منتشر نشده است.

ادعاهای ترامپ: توافق آتش‌بس با تهران «پیروزی تمام‌عیار» آمریکاست؛ مسئله ذخایر اورانیوم ایران را حل می‌کنیم

دونالد ترامپ، در پی اعلام توافق آتش‌بس با ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه این توافق را «پیروزی کامل و تمام‌عیار» برای ایالات متحده خواند و گفت که معتقد است چین ایران را به مذاکره ترغیب کرده است. ترامپ همچنین گفت که به مسائل ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران «به‌طور کامل رسیدگی خواهد شد». ترامپ در گفت‌وگوی تلفنی با خبرگزاری فرانسه، در پاسخ به این پرسش که آیا با دستیابی به این آتش‌بس اعلام پیروزی می‌کند، گفت: «پیروزی کامل و تمام‌عیار ۱۰۰ درصد. هیچ شکی در آن نیست.»

با این حال، هم‌چنان ابهاماتی درباره نحوه بازگشایی تنگه هرمز وجود دارد. خبرگزاری اسوشیتد پرس در گزارشی به نقل از یک منبع منطقی‌ای اعلام کرد که این توافق به ایران و عمان که در دو طرف تنگه هرمز قرار دارند، اجازه می‌دهد که از کشتی‌های عبوری هزینه دریافت کنند. ترامپ به‌رغم این ابهامات، تاکید کرد که چارچوب قوی برای توافق بلندمدت وجود دارد. او گفت: «ما یک توافق ۱۵ بندی داریم که بیش‌تر آن موارد مورد توافق قرار گرفته‌اند. خواهیم دید چه می‌شود. خواهیم دید آیا به نتیجه می‌رسد یا نه.»

ترامپ پیش‌تر در شبکه اجتماعی «تروئت‌سوشال» نوشته بود که پیشنهاد ۱۰ ماده‌ای ایران «مبنای قابل اجرا» برای مذاکره است. رئیس‌جمهوری آمریکا در پاسخ به این پرسش که آیا در صورت فروپاشی توافق، به تهدیدهای پیشین خود مبنی بر حمله به نیروگاه‌ها و پل‌های ایران باز خواهد گشت، گفت: «خواهید فهمید.»

مسئله ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران

سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران یکی دیگر از مسائل کلیدی در هر توافق با تهران است. ترامپ یکی از اهداف اصلی حملات به ایران را جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای عنوان کرده بود.

ترامپ تایید کرد که ذخایر اورانیوم ایران در هر توافق صلحی لحاظ خواهند شد. او بدون ارائه جزئیات درباره این که چه بر سر این ذخایر خواهد آمد، گفت: «به این مسئله به‌طور کامل رسیدگی می‌شود، اگر نه من توافق نخواهم کرد.»

ترامپ در این گفت‌وگوی تلفنی گفت که معتقد است چین، به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک اقتصادی ایران در آوردن تهران پای میز مذاکره نقش داشته است. او در پاسخ به این پرسش که آیا پکن در ترغیب تهران به مذاکره دخیل بوده است، گفت: «شنیده‌ام که بله.»

ادعای ترامپ پس از اعلام آتش‌بس: اقدامات مثبت زیادی در راه خواهد بود

دونالد ترامپ در اظهاراتی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال که ساعاتی پس از اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای با جمهوری اسلامی منتشر شد، این روز را «روزی بزرگ برای صلح جهانی» توصیف کرد.

رییس‌جمهور ایالات متحده تصریح کرد: «ایران می‌خواهد این اتفاق بیفتد، آن‌ها دیگر جان‌شان به لب‌شان رسیده است! بقیه هم همین‌طور!» ترامپ گفت: «ایالات متحده آمریکا در رفع ترافیک ایجاد شده در تنگه هرمز کمک خواهد کرد. اقدامات مثبت زیادی در راه خواهد بود! پول‌های کلانی به دست می‌آید. ایران می‌تواند فرآیند بازسازی را آغاز کند.»

او در عین حال تأکید کرد: «ما با انواع تجهیزات و کالاها آماده خواهیم شد و فقط «همان اطراف خواهیم بود» تا مطمئن شویم همه چیز به خوبی پیش می‌رود. اطمینان دارم که همین‌طور خواهد شد.»

ترامپ افزود: «درست مانند آن چه در ایالات متحده تجربه می‌کنیم، این می‌تواند عصر طلایی خاورمیانه باشد!!!»

سخت‌گویی کاخ سفید در واکنش به آتش‌بس مشروط با جمهوری اسلامی: این یک پیروزی برای آمریکا است

سخت‌گویی کاخ سفید، کارولین لیویت سه‌شنبه شب و پس از اعلام آتش‌بس مشروط میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، در بیانیه‌ای گفت «این یک پیروزی برای ایالات متحده است که رئیس‌جمهور ترامپ و نیروی نظامی شگفت‌انگیز ما آن را محقق کردند.»

او گفت: «از همان ابتدای عملیات «خشم حماسی»، رییس‌جمهور ترامپ پیش‌بینی کرده بود که این عملیات بین ۴ تا ۶ هفته طول خواهد کشید.» خانم لیویت در این بیانیه گفت «با توجه به توانایی‌های فوق‌العاده مبارزان ما، ما در ۳۸ روز به اهداف اصلی نظامی خود دست یافتیم و حتی از آن فراتر رفته‌ایم.» او اشاره کرد که روز چهارشنبه جزئیات بیش‌تری را وزیر جنگ و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا ارائه خواهند کرد.

سخت‌گویی کاخ سفید، افزود «موفقیت نیروهای نظامی ما بیش‌ترین اهرم فشار را ایجاد کرد و به رییس‌جمهور ترامپ و تیمش اجازه داد در مذاکرات سخت شرکت کنند که اکنون مسیر حل دیپلماتیک و صلح بلندمدت را باز کرده است.»

او گفت «علاوه بر این، رئیس‌جمهور ترامپ تنگه هرمز را دوباره بازگشایی کرد.»

لیویت گفت «هرگز توانایی رییس‌جمهور ترامپ در پیش‌برد موفقیت‌آمیز منافع آمریکا و میانجی‌گری برای صلح را دست‌کم نگیرید.»

بیانیه دفتر نتان یاهو، نخست‌وزیر اسرائیل

دفتر نتانیاو، اعلام کرد اسرائیل از آتش‌بس ایران و آمریکا «حمایت» می‌کند اما جنگ با لبنان را متوقف نخواهد کرد.

ساعاتی پس از اعلام توافق آتش‌بس میان تهران و واشنگتن، دفتر بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر اسرائیل بیانیه‌ای را منتشر کرد که در آن با استقبال از آتش‌بس تأکید شده، بر خلاف ادعاهای پاکستان، این آتش‌بس لبنان را شامل نمی‌شود.

در این بیانیه ذکر شده است: «اسرائیل از تصمیم رییس‌جمهور ترامپ برای تعلیق حملات علیه ایران به مدت دو هفته حمایت می‌کند، مشروط به این که ایران فوراً تنگه‌ها را باز کند و همه حملات علیه ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای منطقه را متوقف سازد.»

دفتر نتانیاو، هم‌چنین با ابراز حمایت از تلاش ایالات متحده «برای تضمین این امر که ایران دیگر تهدیدی هسته‌ای، موشکی و تروریستی علیه آمریکا، اسرائیل، همسایگان عرب و جهان نباشد»، اعلام کرد: «آمریکا به اسرائیل گفته که متعهد به دستیابی به اهداف مشترک آمریکا، اسرائیل و متحدان منطقه‌ای این کشور در مذاکرات پیش‌رو است.»

در پایان این بیانیه، آمده است: «آتش‌بس دو هفته‌ای شامل لبنان نمی‌شود.»

بیانیه دبیرخانه شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی

دبیرخانه شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی هم با صدور بیانیه‌ای از موافقت با این آتش‌بس خبر داد. شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی مدعی شد پذیرش طرح ۱۰ ماده‌ای خود از سوی ترامپ «یک پیروزی» است. متقابلاً ترامپ این پیشنهاد را مبنایی برای مذاکرات دانسته است.

وب‌سایت نور نیوز، در مورد پذیرش آتش‌بس، تیتراژه است: «بیانیه شورای عالی امنیت ملی درباره پذیرش شروط ایران از سوی آمریکا.» در این بیانیه، بعد از کلی تعریف و تمجید از مقاومت و ادعای پیروزی نوشته شده است: این تصمیم با تدابیر رهبری مجتبی خامنه‌ای و تصویب شورای عالی امنیت ملی، و با توجه

به دست بالای ایران و مقاومت در میدان نبرد، و ناتوانی دشمن از اعمال تهدیدهای خود برغم همه ادعاها، و پذیرش رسمی همه مطالبات بحق مردم ایران، تصمیم گرفته شد.

اکنون به ملت بزرگ ایران بشارت می‌دهیم که تقریباً تمامی اهداف جنگ محقق شده و فرزندان دلاور شما دشمن را به عجزی تاریخی و شکستی ماندگار کشانده‌اند. تصمیم تاریخی ایران که از پشتوانه یکپارچه تمام ملت برخوردار است این است که این نبرد را تا هر زمانی که لازم باشد ادامه بدهد تا دستاوردهای عظیم آن تثبیت شده و معادلات جدید امنیتی و سیاسی در منطقه مبتنی بر پذیرش قدرت و سیادت ایران و مقاومت خلق گردد.

اکنون نخست وزیر محترم پاکستان به ایران اطلاع داده که طرف آمریکایی برغم همه تهدیدهای ظاهری این اصول را به عنوان مبنای مذاکرات پذیرفته و تسلیم اراده ملت ایران شده است. بر این اساس در عالی‌ترین سطح تصمیم گرفته شد ایران به مدت دو هفته و صرفاً بر مبنای این اصول مذاکراتی را در اسلام‌آباد با طرف آمریکایی انجام بدهد. تاکید می‌شود این به معنای خاتمه جنگ نیست و ایران خاتمه جنگ را تنها زمانی خواهد پذیرفت که با توجه به پذیرش اصول مدنظر ایران در طرح ۱۰ ماده‌ای، جزئیات آن نیز در مذاکرات نهایی گردد.

این مذاکرات با بی‌اعتمادی کامل به طرف آمریکایی از روز جمعه ۲۱ فروردین در اسلام‌آباد آغاز خواهد شد و ایران دو هفته برای این مذاکرات زمان اختصاص خواهد داد. این زمان با توافق طرفین قابل تمدید است. ضرورت دارد در این مدت وحدت کامل ملی حفظ شده و جشن‌های پیروزی با قدرت تداوم داشته باشد. مذاکرات کنونی یک مذاکرات ملی و ادامه میدان است و ضرورت دارد همه مردم، نخبگان و گروه‌های سیاسی به این فرآیند که زیر نظر رهبرانقلاب و عالی‌ترین سطوح نظام است اعتماد داشته و از آن حمایت به عمل بیاورند و به شدت از هرگونه اظهارنظر تفرقه افکنانه اجتناب کنند. اگر تسلیم دشمن در میدان تبدیل به دستاورد قاطع سیاسی در مذاکرات شد با هم این پیروزی عظیم تاریخی را جشن خواهیم گرفت و گرنه در میدان دوشادوش هم تا رسیدن به همه خواسته‌های ملت ایران خواهیم جنگید. دست‌های ما روی ماشه است و به محض آنکه کوچکترین خطایی از دشمن سریزند با قدرت کامل به آن پاسخ داده خواهد شد. شورای عالی امنیت ملی ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۵

طرح ۱۰ ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران

طرح که چارچوب نهایی توقف درگیری‌ها را تعیین می‌کند، شامل مفادی است که محورهای مهم آن موارد زیر است: توقف کامل هرگونه تجاوز به ایران و گروه‌های مقاومت هم‌پیمان.

خروج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه، ممنوعیت هرگونه حمله از پایگاه‌ها به ایران و خودداری از اتخاذ آرایش رزمی. عبور محدود روزانه کشتی از تنگه هرمز به مدت دو هفته، تحت عنوان پروتکل عبور امن که تحت نظارت و قواعد مشخص این کشور.

لغو کلیه تحریم‌های اولیه، ثانویه و تحریم‌های سازمان ملل.

تامین خسارات ایران با ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری و مالی.

تعهد ایران مبنی بر عدم ساخت سلاح هسته‌ای.

پذیرش حق غنی‌سازی ایران توسط آمریکا و مذاکره درباره سطح غنی‌سازی.

موافقت ایران برای مذاکره درباره پیمان‌های صلح دوجانبه و چندجانبه با کشورهای منطقه در راستای منافع خود.

تسری عدم تجاوز به همه متجاوزین علیه تمام گروه‌های مقاومت.

خاتمه یافتن همه قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت و تصویب همه تعهدات در قطع‌نامه رسمی سازمان ملل.

عراقچی می‌گوید عبور «امن» از تنگه هرمز «به مدت دو هفته» و «از طریق هماهنگی با نیروهای مسلح» جمهوری اسلامی امکان‌پذیر است

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چهارشنبه صبح ۱۹ فروردین به وقت تهران، از طرف «از طرف شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی گفت که اگر حملات به این حکومت متوقف شود نیروهای نظامی جمهوری اسلامی نیز حملات خود را متوقف می‌کنند. او در این بیانیه که پس از بیانیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در مورد آتش‌بس مشروط دو هفته‌ای با جمهوری اسلامی صادر کرد، گفت که «به مدت دو هفته، عبور امن از تنگه هرمز از طریق هماهنگی با نیروهای مسلح (جمهوری اسلامی) ایران و با در نظر گرفتن محدودیت‌های فنی امکان‌پذیر خواهد بود.»

این بخش از بیانیه عباس عراقچی در مورد تنگه هرمز در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در بیانیه‌ای که اندکی پیش از آن سه‌شنبه شب به وقت واشنگتن صادر کرد گفت حمله مشروط به جمهوری اسلامی را به مدت دو هفته به عقب می‌اندازد «مشروط» به این که جمهوری اسلامی ایران با «بازگشایی کامل، فوری و امن تنگه هرمز موافقت کند.» در همین حال یک خبرنگار سایت خبری آکسیوس، به نام باراک راوید، به نقل از «دو منبع آگاه» گزارش داد که قرار است نخستین دور مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی درباره توافقی برای پایان دادن به عملیات نظامی جاری علیه حکومت ایران، روز جمعه در اسلام‌آباد برگزار شود. در پی بیانیه عباس عراقچی، دونالد ترامپ، آن را در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ترونت‌سوشال بازنشر کرد.



واکنش‌های جهانی به آتش‌بس و تاکید بر اهمیت مذاکرات پیش‌رو

آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل، ضمن استقبال از برقراری آتش‌بس دو هفته‌ای در حملات مشترک آمریکا و اسرائیل و پاسخ‌های تلافی‌جویانه ایران در سطح منطقه، از همه طرف‌ها خواست تا «در جهت هموار کردن مسیر برای صلح پایدار و جامع در منطقه» به توافق پایبند باشند. وی بر «ضرورت فوری پایان خشونت‌ها برای حفظ جان غیرنظامیان و کاهش رنج انسانی» تاکید کرد و از نقش پاکستان و دیگر کشورها در تسهیل آتش‌بس سپاسگزاری کرد. در اروپا، فردریش مرتس، صدراعظم آلمان ضمن استقبال از این آتش‌بس، اعلام کرد که «هدف اکنون باید رسیدن به پایان ادامه‌دار جنگ از طریق دیپلماسی باشد». او کراین نیز این اقدام را ستود و وزیر امور خارجه این کشور خواستار «قاطعیت» مشابه آمریکا برای توقف جنگ روسیه در اوکراین شد. عمان، میزبان مذاکرات غیرمستقیم آمریکا و ایران، از آتش‌بس استقبال کرد و خواستار «تشدید تلاش‌ها برای حل بحران» شد و عراق نیز ضمن استقبال از خبر، تاکید کرد که پایبندی کامل طرفین برای دستیابی به راه‌حل پایدار ضروری است. مصر نیز این آتش‌بس را «فرصتی بسیار مهم و مغتنم» برای آغاز مذاکرات، دیپلماسی و گفت‌وگوی سازنده دانست.

ژاپن این آتش‌بس را «حرکتی مثبت» ارزیابی کرد و اهمیت دستیابی به «توافق نهایی» را یادآور شد. مالزی نیز آتش‌بس را «تحویلی مهم و گامی اساسی برای کاهش تنش‌ها و بازگرداندن صلح و ثبات» دانست و از همه طرف‌ها خواست تمام شرایط توافق را با «حسن نیت» اجرا کنند. در منطقه اقیانوسیه، استرالیا از آتش‌بس استقبال کرد و ابراز امیدواری نمود که توافق به حل و فصل بلندمدت منجر شود. این کشور نقش پاکستان، مصر، ترکیه و عربستان را در مذاکرات تحسین کرد و هشدار داد که طولانی شدن جنگ «پیامدهای شدید اقتصادی و انسانی» خواهد داشت. نیوزیلند نیز ضمن استقبال از آتش‌بس، بر «اهمیت ادامه کار در روزهای آینده برای تضمین پایداری آتش‌بس» تاکید کرد و از تلاش‌های کشورهای میانجی‌قردانی نمود.

تهدید ترامپ به نابودی تمدن ایران؛ اجماع جهانی علیه «جنایت جنگی»، زنجیره‌های انسانی در دفاع از زیرساخت‌های ایران

تهدید صریح دونالد ترامپ به بمباران زیرساخت‌های حیاتی ایران، از نیروگاه‌های برق تا پل‌ها، خطوط راه‌آهن و شبکه‌های ارتباطی، فقط نشانه‌ای از تشدید تنش نیست؛ این تهدید در داخل کشور و در سطح جهانی واکنش گسترده‌ای برانگیخته است. از نهادهای بین‌المللی تا سازمان‌های حقوق بشری، یک جمع‌بندی روشن وجود دارد: هدف قرار دادن زیرساخت‌هایی که زندگی غیرنظامیان به آن‌ها وابسته است، عبور از مرزهای حقوق جنگ و مصداق جنایت جنگی است. در داخل ایران، این تهدید واکنشی کم‌سابقه برانگیخته است. گزارش‌ها از تشکیل زنجیره‌های انسانی در اطراف نیروگاه‌ها، بر روی پل‌ها، در مسیرهای راه‌آهن، مقابل بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی غیرنظامی حکایت دارد- تلاشی مدنی برای محافظت از آنچه مستقیماً با بقا و زندگی روزمره پیوند دارد.

خط قرمز حقوق بین‌الملل: «اشیای ضروری برای بقا» هدف نیستند

در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی یک اصل بنیادین است. زیرساخت‌های حیاتی -به‌ویژه تاسیسات تولید و توزیع برق، شبکه‌های آب، حمل‌ونقل و خدمات درمانی- در صورتی که کارکرد مستقیم نظامی نداشته باشند، از حمایت ویژه برخوردارند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیر رسمی این قواعد تاکید می‌کند:

«اشیایی که برای بقای جمعیت غیرنظامی ضروری هستند، نباید هدف حمله قرار گیرند.»

این تعریف، دقیقاً همان دسته از زیرساخت‌هایی را در بر می‌گیرد که در تهدید اخیر نام برده شده‌اند.

سازمان ملل: حمله به زیرساخت‌های حیاتی، نقض حقوق جنگ

موضع سازمان ملل متحد در قبال این‌گونه تهدیدها روشن است. آنتونیو گوتروش در واکنش به حملات مشابه در جنگ‌های اخیر تصریح کرده است:

«حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی که مردم برای بقا به آن‌ها وابسته‌اند، ناقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی است.»

هم‌زمان، او در ارتباط با بحران جاری نیز خواستار «پرهیز از هرگونه اقدام تشدیدکننده» شده است- درخواستی که در عمل، شامل پرهیز از هدف قرار دادن همین زیرساخت‌ها می‌شود.

سختگویی دیرکل سازمان ملل، روز دوشنبه در نیویورک اعلام کرد که حمله به نیروگاهها و دیگر زیرساختهای غیرنظامی نقض قوانین بین‌المللی است. وی افزود حتی اگر برخی زیرساختهای غیرنظامی به‌عنوان اهداف نظامی طبقه‌بندی شوند، حقوق بشردوستانه بین‌المللی هم‌چنان اجازه انجام چنین حملاتی را در صورتی که خسارات بیش‌ازحدی به غیرنظامیان وارد شود، نمی‌دهد.

نهادهای حقوق بشری: تعریف صریح یک رمز

عفو بین‌الملل در ارزیابی خود از حمله به زیرساختهای حیاتی، بدون ابهام می‌گوید:

«حمله عامدانه به زیرساختهای غیرنظامی مانند نیروگاهها ممنوع است و می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد.»

در همین راستا، دیده‌بان حقوق بشر هشدار می‌دهد:

«حملاتی که به‌طور قابل پیش‌بینی موجب محرومیت گسترده غیرنظامیان از خدمات حیاتی شود، نقض قوانین جنگ است.»

در این چارچوب، دیگر بحث بر سر تفسیرهای متعارض نیست؛ بلکه بر سر انطباق یک تهدید مشخص با یک قاعده تثبیت‌شده است.

اروپا و دیگر قدرت‌ها: حفاظت از غیرنظامیان، یک اصل غیرقابل مذاکره

در مواضع رسمی اتحادیه اروپا نیز بر حفاظت از غیرنظامیان و زیرساختهای حیاتی تأکید شده است. اورزولا فون در لاین در اظهاراتی در همین چارچوب گفته است:

«هدف قرار دادن زیرساختهای غیرنظامی غیرقابل قبول است و با حقوق بین‌الملل در تضاد است.»

آنتونیو کوستا، رییس شورای اروپا روز گذشته اعلام کرد که هدف قرار دادن زیرساختهای غیرنظامی در جریان جنگ اقدامی غیرقانونی است.

این اظهارات روز دوشنبه ۶ آوریل، پس از آن مطرح شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تهدید کرده بود در صورت بازگشایی نشدن تنگه هرمز، زیرساختهای غیرنظامی ایران را هدف قرار خواهد داد.

آنتونیو کوستا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: هرگونه هدف قرار دادن زیرساختهای غیرنظامی، به‌ویژه تاسیسات انرژی، غیرقانونی و غیرقابل قبول است.

وی افزود: این موضوع هم در جنگ روسیه در اوکراین صدق می‌کند و هم در هر جای دیگری صادق است. جمعیت غیرنظامی ایران اصلی‌ترین قربانی حکومت ایران هستند و در صورت گسترش عملیات نظامی نیز همین جمعیت بیش‌ترین آسیب را خواهند دید.

وزیر امور خارجه فرانسه روز سه‌شنبه علیه تهدیدات دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا، مبنی بر حمله به زیرساختهای غیرنظامی ایران موضع گرفت و مخالفت پاریس با آن را اعلام کرد.

هم‌زمان، ظاهراً دولت‌هایی مانند دولت‌های چین و روسیه نیز در مواضع رسمی خود بر ضرورت پرهیز از حمله به غیرنظامیان و تاسیسات حیاتی تأکید کرده‌اند. سختگویی وزارت خارجه چین، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که کشورش «از تلاش‌های میانجیگرانه فعال پاکستان حمایت می‌کند.»

هشدار از درون آمریکا: مسئولیت کیفری پابرجاست

واکنش‌ها در داخل ایالات متحده به تهدیدهای دونالد ترامپ علیه ایران شدید و گسترده بود. **گریس مورفی**، سناتور دموکرات، تأکید کرد که عملی شدن این تهدیدها «به‌وضوح یک جنایت جنگی» خواهد بود. **چاک شومر**، رهبر اقلیت سنا، آن را یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات سیاسی تاریخ آمریکا خواند و **رشیده طلیب**، عضو دموکرات مجلس نمایندگان، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پس از بمباران یک مدرسه و قتل‌عام دختران جوان، جنایت کار جنگی در کاخ سفید تهدید به نسل‌کشی می‌کند.» او هم‌چنین خواستار اجرای متمم بیست‌وپنجم قانون اساسی برای برکناری ترامپ شد.

حقوق‌دانان و نظامیان سابق نیز هشدار داده‌اند که: «اطاعت از دستور غیرقانونی، مسئولیت را از عاملان سلب نمی‌کند.»

این اصل که پس از جنگ جهانی دوم تثبیت شده، نشان می‌دهد حتی در صورت صدور چنین دستوری، اجرای آن می‌تواند پیامدهای کیفری بین‌المللی به دنبال داشته باشد.

علاوه بر این، ده‌ها کارشناس حقوق بین‌الملل از جمله اساتید دانشگاه‌های هاروارد، ییل، استنفورد و کالیفرنیا با انتشار نامه‌ای سرگشاده در وبسایت نشریه «جاست سکیوریتی»، هشدار دادند که حملات آمریکا به زیرساختهای ایران می‌تواند مصداق «جنایت جنگی» باشد و نسبت به افزایش جدی نگرانی درباره نقض قانون بین‌المللی حقوق بشر و احتمال بروز جرائم جنگی تأکید کردند.

اجماع جهانی و واکنش جامعه

در لحظه‌ای که تهدید به هدف قرار دادن زیرساختهای حیاتی ایران با مخالفت گسترده نهادهای بین‌المللی و حقوقی روبه‌رو شده، واکنش در داخل کشور نیز معنایی فراتر از اعتراض یافته است: زنجیره‌های انسانی در اطراف نیروگاهها، پل‌ها، خطوط ارتباطی، بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی و صنعتی، تصویری از دفاع مدنی از «زیرساخت زندگی» ارائه می‌دهد.

بر اساس گزارش رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی، هم‌زمان با این تحولات، ایالات متحده از طریق پاکستان و دیگر دولت‌های میانجی در حال تبادل نظر و مذاکره با تهران بر سر مجموعه‌ای از خواسته‌هاست که ترامپ بر پذیرش آن‌ها پافشاری می‌کند. با این حال، صرف‌نظر از نتیجه این تلاش‌ها، یک واقعیت

حقوقی تغییری نمی‌کند: هرگونه اقدام نظامی برای نابودی زیرساخت‌های حیاتی - زیرساخت‌هایی که بقای غیرنظامیان به آن‌ها وابسته است - در چارچوب حقوق بین‌الملل، مصداق جنایت جنگی محسوب می‌شود.



زنجیره انسانی بر روی پل سفید اهواز

سپر انسانی در نبود پدافند هوایی؛ نقشه شوم جمهوری اسلامی برای مردم و زیرساخت‌های ایران

در آستانه پایان مهلت تعیین شده آمریکا برای جمهوری اسلامی در زمینه رسیدن به یک توافق و بازگشایی تنگه هرمز، گزارش‌ها حاکی از آن است که عوامل جمهوری اسلامی با فراخواندن هواداران رژیم تلاش کرده‌اند در اطراف برخی از نیروگاه‌ها و پل‌ها به اصطلاح «سپر انسانی» ایجاد کنند. به گزارش رسانه‌های حکومتی روز سه‌شنبه ۱۸ فروردین، تعدادی از هواداران حکومت در شهرهای مختلف ایران در اطراف نیروگاه‌ها، پل‌ها، و برخی اماکن دیگر گرد آمدند تا «مخالفت خود با حمله به این مراکز» را نشان دهند. براساس این گزارش‌ها در اطراف نیروگاه حرارتی مشهد، نیروگاه نکا، نیروگاه سیکل ترکیبی کازرون، نیروگاه برق بیستون کرمانشاه، تاسیسات برق بوشهر، نیروگاه رجایی قزوین، و نیروگاه تبریز سپر انسانی تشکیل شده است. شماری از هواداران جمهوری اسلامی هم بر روی پل‌هایی در استان خوزستان تجمع کردند. علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان دولت پزشکیان، شامگاه دوشنبه در تلویزیون جمهوری اسلامی، از مردم به ویژه جوانان خواست که اطراف نیروگاه‌های برق سراسر کشور «زنجیره انسانی» تشکیل دهند. پیش‌تر استفاده جمهوری اسلامی از مردم ایران به‌عنوان سپر انسانی واکنش‌های گسترده‌ای از جمله از سوی فعالان حقوق بشر برانگیخته است.



سسیل کوهلر و ژاک پاری، دو گردشگر فرانسوی بازداشت‌شده در ایران

دو فرانسوی زندانی در ایران با یک ایرانی مبادله شدند؛ تداوم سیاست گروگان‌گیری جمهوری اسلامی

منابع خبری گزارش دادند که جمهوری اسلامی، دو تبعه فرانسه به نام‌های سسیل کوهلر و ژاک پاری را، که از سه سال و نیم قبل در زندان اوین محبوس بودند، روز سه‌شنبه ۱۸ فروردین آزاد کرده است. ژان نوئل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه، عصر سه‌شنبه به تلویزیون فرانسه گفت که این دو تبعه فرانسوی اکنون در جمهوری آذربایجان هستند و صبح چهارشنبه به فرانسه بازخواهند گشت. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، نیز با انتشار پستی در ایکس نوشت: «این مایه آسودگی خاطر همه ما و خانواده‌های آن‌ها است. از مقامات عمانی برای تلاش‌های میانجی‌گرانه‌شان سپاسگزار می‌کنم.»

خبرگزاری رویترز، رهایی این دو فرانسوی را «غافلگیرکننده» توصیف کرد و آن را با همراهی نکردن پاریس با واشنگتن در جنگ بر ضد جمهوری اسلامی مرتبط دانست.

این در حالی است که خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، مدعی شد که آزادی این زوج فرانسوی در قبال آزادی مهدیه اسفندیاری، متهم ایرانی ساکن شهر لیون فرانسه، و پس گرفتن شکایت فرانسه علیه رژیم ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری، میسر شده است. دادگاه‌های فرانسه مهدیه اسفندیاری را به دلیل «ستایش از تروریسم در پست‌های رسانه‌های اجتماعی» به حبس محکوم کرده بودند. مکرون علاوه بر حمایت نکردن از سیاست دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در قبال جمهوری اسلامی، اجازه نداده است از حریم هوایی فرانسه برای انتقال سلاح به اسرائیل استفاده شود.

عدم همکاری اروپا در عملیات نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی بارها با انتقاد تند پرزیدنت ترامپ مواجه شده است. رئیس جمهوری آمریکا هم‌چنین با انتقاد شدید از انفعال ناتو و اتحادیه اروپا در مشارکت در تأمین امنیت تنگه هرمز، یادآور شده است که همواره در تمایل اعضای ناتو برای همراهی با آمریکا در برهه‌های حساس تردید داشته و عملیات نظامی علیه جمهوری اسلامی درستی این تردید او را نشان داده است.

نگاهی به جنگ در رسانه‌های آمریکا

۳۸ روز از جنگ آمریکا علیه ایران می‌گذرد. این گزارش مروری است بر آن چه درباره جنگ در رسانه‌ها و جریان‌های داخل آمریکا می‌گذرد. آن‌ها درباره جنگ هم‌صدا نیستند؛ برخی از آن‌ها می‌گویند ایران را به یک قدرت تبدیل کرده‌ایم و برخی دیگر از فروپاشی استراتژیک جمهوری اسلامی و پیروزی آمریکا خبر می‌دهند.

موافقان جنگ: همین الان هم پیروزیم!

در حالی که بیش از یک ماه از آغاز جنگ علیه ایران می‌گذرد، در آمریکا جریانی قدرتمند از تحلیل‌گران و نخبگان سیاسی به وجود آمده است که این جنگ را یک «فرصت تاریخی» برای بازسازی نظم در خاورمیانه توصیف می‌کنند. این جریان که در آمریکا عموماً به «شاهین‌ها» شهرت دارند، سیاستمدارانی که موضوعی مداخله‌گرانه دارند، معتقدند عملیات خشم‌آمیزی، نقطه پایانی بر دهه‌ها سیاست «صبر استراتژیک» واشنگتن است که به زعم آن‌ها تنها باعث جری‌تر شدن تهران شده بود.

جریان موافق جنگ، چهره‌های اقتصادی‌ای مانند «چارلز مایر» دارد. او که به‌عنوان پژوهشگر ارشد در مؤسسه «ساینوم گلوبال ادوایزرز» فعالیت می‌کند و نفوذی در بازارهای مالی دارد، معتقد است این جنگ شباهتی به باتلاق‌های قبلی آمریکا ندارد. مایر در مصاحبه‌های خود تأکید کرده است که برتری تکنولوژیک آمریکا در این جنگ، هیچ جای شک و تردیدی ندارد، در عین حال که باور دارد این اقدام خاورمیانه را جای بهتری کرده و بزرگ‌ترین تهدید به امنیت ملی آمریکا را از بین می‌برد.

او می‌گوید: «ما شاهد یک کارزار نظامی فرسایشی نخواهیم بود. واقعیت میدانی نشان می‌دهد که ایران در برابر قدرت دو ارتش پیشرفته جهان (آمریکا و اسرائیل) گزینه‌ای جز شکست ندارد. حذف مهره‌های کلیدی و تخریب زیرساخت‌های هسته‌ای، در همان روزهای اول، کم‌تر توان نظامی تهران را شکسته است.» مایرز و هم‌فکرانش معتقدند که برخلاف جنگ عراق، در این‌جا بحث بر سر «اشغال خاک» نیست، بلکه هدف «فلج کردن ماشین جنگی» است که به گفته آن‌ها به دست آمده است.

در لایه استراتژیک‌تر، «مارک دوبوویتز»، مدیرعامل بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)، معتقد است که این جنگ پاسخی به مطالبات فروخورده آمریکا از زمان بحران گروگان‌گیری در سال ۱۹۷۹ است. او استدلال می‌کند که این نبرد، یک اقدام دفاعی برای جلوگیری از یک فاجعه هسته‌ای است: «این یک پیروزی تمام‌عیار در دسترس است. ما نباید اجازه دهیم روایت‌های ترس‌آلود، ما را از مسیرمان منحرف کند. ایران با برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیکش به یک تهدید موجودیتی تبدیل شده بود. حالا ما در یک «پنجره طلایی» هستیم تا تهدیدی را خنثی کنیم که دیپلماسی در مهار آن ناتوان بود.» دوبوویتز معتقد است که همکاری نزدیک با اسرائیل باعث شده آمریکا این بار «هوشمندانه‌تر» بجنگد و هزینه‌های انسانی سربازان آمریکایی را به حداقل برساند.

اندکی بعد از جنگ، تحلیلگر مشهور آمریکایی «توماس فریدمن»، در «نیورک تایمز»، این حمله را فرصتی استثنایی اما پرخطر توصیف کرد که می‌تواند با حذف «امپریالیسم منطقه‌ای ایران»، خاورمیانه را به سمت ثبات و یکپارچگی ببرد، مشروط بر اینکه این جنگ به فروپاشی سرزمینی ایران یا شوک عظیم نفتی منجر نشود. او معتقد است تضعیف رژیم تهران پیش از این به تغییرات مثبتی در سوریه و لبنان کمک کرده، اما هشدار می‌دهد که گذار به دموکراسی در ایران بدون رهبری واحد دشوار است و احتمال ظهور یک «جمهوری اسلامی ۲،۰» برای مذاکره با ترامپ وجود دارد.

در میان موافقان جنگ، چهره‌های ایرانی تبار نیز حضور دارند که جنگ را از زاویه «دفاع پیش‌دستانه» توجیه می‌کنند. «نازی معینیان»، پژوهشگر مسائل خاورمیانه، در شبکه فاکس نیوز عنوان کرد که صبر کردن در برابر تهران خطرناک‌تر از حمله کردن بود. او می‌گوید: «این جنگی برای محافظت از امنیت مردم آمریکاست. رژیم تهران یک تهدید صبور بود که منتظر لحظه‌ای می‌ماند تا ضربه‌ای مهلک بزند. حملات کنونی، سلب قدرت از رژیمی است که از تروریسم و نیروهای نیابتی برای بی‌ثبات کردن جهان استفاده می‌کرد.» معینیان و تحلیل‌گرانی مانند او، جنگ را نوعی «جراحی لازم» می‌بینند که اگرچه دردناک است، اما برای سلامت آینده منطقه و جهان ضروری است.

هم‌چنین «بهنام بن‌طالب‌لو»، پژوهشگر ارشد در مؤسسه FDD، هشدار می‌دهد که نباید به ایران اجازه بازسازی داد. او معتقد است: «بزرگ‌ترین ریسک این است که ما کار را تمام نکنیم. پیروزی زمانی حاصل می‌شود که تهران بفهمد دیگر توان بازگشت به سیاست‌های قبلی را ندارد.»

ترامپ در صحبت‌های اخیر خود بارها تأکید کرده است که با حملات آمریکا نظم سیاسی در ایران تغییر کرده است. «زینب ربیوا» پژوهشگر موسسه هادسون، در ادامه همین باور ترامپ معتقد است که پیروزی آمریکا در گروهی تغییر الگو از «جنگ کلاسیک» به «فروپاشی ساختاری از درون» است. او می‌گوید واشینگتن با تخریب هم‌زمان سه رکن بقای نظام یعنی اقتصاد، بازدارندگی نظامی و مشروعیت ایدئولوژیک، رژیم را به بن‌بست رسانده است. اما او تأکید دارد که پایان این رژیم را مردم رقم خواهند زد.

در میزگردی که توسط مؤسسه «بروکینگز» برای بررسی ابعاد «جنگ سوم خلیج فارس» برگزار شد، کارشناسان ضمن تأیید توانمندی بی‌نظیر ارتش آمریکا در انهدام سریع زیرساخت‌های استراتژیک و هسته‌ای ایران، بر این باور بودند که حذف فیزیکی رهبری و ضربات سنگین نظامی، فرصتی یگانه برای پایان دادن به دهه‌ها سلطه منطقه‌ای ایران و گروه‌های نیابتی‌اش ایجاد کرده است. شرکت‌کنندگان در این نشست موافق بودند که این فشار حداکثری نظامی، نه تنها تهدیدات فوری را فلج کرده، بلکه راه را برای اجبار تهران به پذیرش شروط ترامپ و بازآرایی نظم سیاسی خاورمیانه هموار ساخته است، به طوری که برخی آن را تنها مسیر واقعی برای خروج از بن‌بست هسته‌ای قلمداد کردند.

با این حال، لحن غالب در این نشست آمیخته به نگرانی‌های عمیق از آینده‌ای نامعلوم بود؛ تحلیلگران بروکینگز به شدت از فقدان استراتژی خروج و بی‌برنامگی دولت برای تخلیه شهروندان آمریکایی گرفتار در منطقه هشدار دادند. آن‌ها تأکید کردند که با وجود پیروزی‌های اولیه، نبرد وارد فاز فرسایشی و نامتقارن با استفاده از پهپادهای انتحاری شده که مهار آن دشوار است. بزرگترین هراس مطرح‌شده در این میزگرد، احتمال فروپاشی نظم سرزمینی در ایران و تبدیل شدن کشور به یک «سياهچاله امنیتی» بود؛ وضعیتی که می‌تواند به جای دموکراسی، به هرج‌ومرج، تجزیه یا بقای یک رژیم نظامی کینه‌توز و انتقام‌جو منجر شود که تمام منطقه را در بحرانی بی‌سابقه فرو خواهد برد.

مخالفان جنگ: راه‌های پیروزی محدود است!

جریان ضدجنگ در آمریکا، در مقایسه با اردوگاه موافقان، صدایی بلندتر در رسانه، قدرت عاطفی عمیق‌تر و انسجام اخلاقی مستحکم‌تری دارد. پیام مرکزی این جریان بر این منطق استوار است که حمله به ایران اقدامی غیرقانونی و غیرضروری بوده که آمریکا را بار دیگر وارد نبرد بی‌پایان دیگری در خاورمیانه کرده است.

«جرمی اسکپیل»، روزنامه‌نگار تحقیقی، پیش از جنگ گفته بود: «عناصری در آمریکا حضور دارند که مطلقاً تشنه نابودی ایران هستند.» او همچنین به نقل از کارشناسان نظامی، از وجود یک «روحیه متوهمانه» در داخل دولت خبر داد. وی همچنین هشدار می‌دهد اگر درگیری به یک تهاجم زمینی تبدیل شود، شاهد یک «حمام خون مطلق» خواهیم بود. این زبان استاندارد ضدجنگ در مطبوعات آمریکا است که جنگ را نه یک کارزار تمیز و مقتدرانه، بلکه دروازه‌ای به سوی مرگ و از دست دادن کنترل استراتژیک می‌بیند.

این جریان هم صدای ایرانی دارد، از جمله «کریم سجادی‌پور»، پژوهشگر ارشد در «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی»، با اشاره به لغزش‌های محاسباتی دولت، ماهیت درگیری را دست‌خوش تغییر بنیادین می‌بیند. او معتقد است آنچه ابتدا به عنوان یک «جنگ انتخابی» و بدون وجود تهدید فوری آغاز شد، اکنون با مسدود شدن شریان‌های حیاتی انرژی در تنگه هرمز، عملاً به یک «جنگ اجباری» تبدیل شده است که خروج از آن برای واشینگتن به این سادگی‌ها ممکن نخواهد بود. سجادی‌پور با نقد سردرگمی در اهداف کاخ سفید، هشدار می‌دهد که پزیرند ترامپ احتمالاً پیش از ورود به این معرکه، ابعاد واکنش منطقه‌ای ایران و توانایی آن‌ها در درگیر کردن کل خاورمیانه را به درستی درک نکرده بود.

آلن ایر، سخنگوی سابق فارسی‌زبان وزارت امور خارجه، نیز می‌گوید: «دستاوردهای زیادی حاصل شده، اما متأسفانه بیش‌تر آن‌ها خوب نیستند... ما تا حد زیادی توانایی ایران در فراق‌کنی قدرت را در حوزه هسته‌ای، موشکی و دریایی نابود کرده‌ایم. اما متأسفانه هم‌زمان با نابودی توانایی فعلی آن‌ها، میل آن‌ها برای انجام این کار در آینده را به شدت افزایش داده‌ایم. بنابراین، این جنگ ما را در «وابستگی به مسیر» برای سیاست آینده «چمن‌زنی» در ایران گرفتار می‌کند.» ایر معتقد است که موفقیت نظامی لزوماً به موفقیت سیاسی منجر نمی‌شود.

گزارش‌های رسانه‌ای CNN حاکی از آن است که ترامپ و مقامات ارشد به دلیل نحوه پوشش اخبار جنگ، به رسانه‌های آمریکایی حمله می‌کنند. دیوید اکسل‌رود، استراتژیست سیاسی، فضا را این‌گونه خلاصه می‌کند: «به‌نظر می‌رسد تصمیمی گرفته شده که اگر اخبار مربوط به جنگ خوشایند نیست، بهتر است به کسانی که آن را گزارش می‌کنند حمله شود.» برای ناظران ضدجنگ، این رفتار نشان‌دهنده اعتماد به نفس نیست، بلکه نشانگر شکنندگی دولتی است که سعی دارد روایت را کنترل کند زیرا جنگ از نظر سیاسی خوب پیش نمی‌رود.

در ۱۵ فروردین روزنامه آتلانیک به قلم «شین هریس»، می‌گوید: تراژدی فعلی نه یک شکست اطلاعاتی، بلکه یک «شکست در ساختار قدرت» است. وی دلیل این شکست را نه ناشی از خطای نهادهای اطلاعاتی، بلکه نتیجه «غلبه اراده شخصی و غریزی دونالد ترامپ بر حقایق مستند» می‌داند. نویسنده فاش می‌کند که ترامپ با نادیده گرفتن گزارش‌های رسمی مبنی بر نبود تهدید هسته‌ای و هشدارهای دقیق درباره پیامدهای تلافی‌جویانه ایران، آگاهانه چشم خود را بر واقعیت بست و منجر به بی‌ثباتی در تنگه هرمز، سرخوردگی متحدان عرب و استحکام جایگاه تندروها در تهران شد.

برخی اما معتقدند آمریکا باعث شده است که قدرت جمهوری حتی افزایش یابد. «رابرت پیپ»، استاد علوم سیاسی، استدلال می‌کند که جنگ برخلاف تصور، در حال تبدیل ایران به «چهارمین قطب قدرت جهانی» در کنار آمریکا، چین و روسیه است؛ قدرتی که نه از ثروت اقتصادی، بلکه از کنترل بر حیاتی‌ترین گلوگاه انرژی جهان، یعنی تنگه هرمز، نشأت می‌گیرد. او معتقد است راهبرد ایران برای ایجاد ناامنی انتخابی و افزایش هزینه‌های بیمه و ترانزیت، مدل سنتی امنیت خلیج فارس تحت هدایت آمریکا را فروپاشیده و قدرت‌های بزرگ جهانی (به‌ویژه در آسیا) را مجبور کرده تا برای تضمین جریان انرژی، به جای واشینگتن با تهران هماهنگ شوند.

شاید یکی از مهم‌ترین منتقدان این جنگ یکی از پدران علم روابط بین‌المللی «جان مرشایمر» باشد. او در یک ماه گذشته، در مجموعه‌ای از مصاحبه‌های خود، جنگ آمریکا علیه ایران را نه یک عملیات حساب‌شده، بلکه یک خطای راهبردی بزرگ توصیف کرده است. از نگاه او، واشنگتن و تل‌آویو با این تصور وارد جنگ شدند که می‌توانند با بمباران گسترده، حذف فرماندهان و ایجاد شوک سیاسی، جمهوری اسلامی را به فروپاشی بکشانند؛ اما این سناریو، به گفته او، خیلی زود شکست خورد. بلکه از نظر او آمریکا در این جنگ شکست خواهد خورد. مرشایمر می‌گوید مسئله اصلی این است که آمریکا بدون راه خروج روشن وارد درگیری شده، در حالی که ایران برای پیروزی لازم نیست آمریکا را شکست نظامی کامل بدهد، بلکه کافی است دوام بیاورد، هزینه تحمیل کند و جنگ را فرسایشی کند.

او همچنین تأکید می‌کند که ادامه جنگ، برخلاف تصور طراحانش، نه به تضعیف سریع نظام در ایران بلکه به انسجام بیشتر در داخل کشور، افزایش تلفات غیرنظامی و گسترش بحران در سطح منطقه منجر می‌شود. در روایت مرشایمر، این جنگ از اساس برای منافع مستقیم آمریکا نبوده و بیش‌تر نتیجه افتادن ترامپ در دام محاسبات اسرائیل است. جمع‌بندی او روشن است: آمریکا وارد جنگی شده که نه می‌تواند به‌سادگی در آن پیروز شود و نه می‌تواند بدون پرداخت هزینه سنگین از آن خارج شود؛ جنگی که هرچه طولانی‌تر شود، بیشتر به یک باتلاق سیاسی، نظامی و اقتصادی برای واشنگتن تبدیل خواهد شد. اردوگاه ضدجنگ انتظار یک درگیری طولانی، بی‌ثباتی گسترده منطقه‌ای و رنج بیش‌تر غیرنظامیان را دارد. آن‌ها معتقدند وعده‌های دولت درباره موفقیت سریع، معتبر نیست. هم‌چنین کارشناسان ضدجنگ اشاره می‌کنند که توجیهات جنگ مدام تغییر می‌کند؛ یک هفته صحبت از «تهدید فوری» است و هفته بعد صحبت از موشک‌ها، پهپادها، خطر هسته‌ای یا تغییر رژیم. از نظر منتقدان، این تزلزل در بیان دلیل جنگ، خود سندی بر ضعف است؛ اگر دلیل جنگ هر هفته عوض می‌شود، پس هدف واقعی احتمالا سیاسی یا ایدئولوژیک است.



شکاف در اردوگاه ترامپ بر سر ایران؛ چهره‌های شاخص «مگا» علیه تهدید به نابودی یک تمدن موضع گرفتند

تهدید تازه دونالد ترامپ مبنی بر این که اگر ایران شروط واشنگتن، از جمله بازگشایی تنگه هرمز، را نپذیرد «یک تمدن کامل» نابود خواهد شد، تنها موجی از اعتراض در میان دموکرات‌ها برنینگخته، بلکه به شکافی کم‌سابقه در درون اردوگاه سیاسی خود او نیز دامن زده است. در حالی که بخشی از جمهوری خواهان و برخی مقام‌های پیشین، موضع کاخ سفید را نشانه «قاطعیت» در برابر تهران توصیف کرده‌اند، گروهی از شناخته‌شده‌ترین صداهای جریان «مگا» این بار آشکارا در برابر ترامپ ایستاده‌اند و او را به پشت کردن به وعده‌اش برای دور نگه داشتن آمریکا از جنگ‌های خارجی متهم می‌کنند.

بیش‌ترین اهمیت این واکنش‌ها در آن است که از سوی چهره‌هایی مطرح شده که تا همین اواخر از وفادارترین حامیان ترامپ به‌شمار می‌رفتند. تاکر کارلسن، مجری پیشین شبکه فاکس، در برنامه اینترنتی خود راهبرد ترامپ را «نفرت‌انگیز در هر سطح» خواند و از مقام‌های آمریکایی خواست اگر فرمانی به کشتار گسترده غیرنظامیان منجر می‌شود، در برابر آن بایستند. روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داده است که او حتی به مقام‌های نظامی گفته بود در برابر هر دستور فاجعه‌بار احتمالی، از جمله در موضوع ایران، «نه» بگویند. خود ترامپ نیز بعداً در پاسخ، کارلسن را «کم‌هوش» خواند و به او حمله کرد.

شکاف فقط به کارلسن محدود نماند. مارجوری تیلور گرین، که از نزدیک‌ترین متحدان ترامپ در کنگره به حساب می‌آید، به جمع کسانی پیوسته که از متمم بیست‌وپنجم قانون اساسی برای کنار گذاشتن او سخن می‌گویند. الکس جونز، نظریه‌پرداز راست افراطی، نیز خواستار برکناری ترامپ شده و رفتار او را نشانه «جنون پادشاه» توصیف کرده است. هم‌زمان کنديس اوونز، یکی دیگر از چهره‌های پرنفوذ این جریان، حملات جاری را محکوم کرده و ترامپ را با عباراتی

بسیار تند هدف قرار داده است. رویترز نیز گزارش داده که حتی در میان جمهوری خواهان، نگرانی از لحن و محتوای تهدیدهای ترامپ رو به افزایش است و این واکنش‌ها دیگر به مخالفان سنتی او محدود نمی‌شود.

در سوی دیگر، دموکرات‌ها اظهارات ترامپ را نشانه‌ای از بی‌ثباتی خطرناک و حتی تهدید به ارتکاب جنایت جنگی دانسته‌اند. گاردین گزارش داده است که شماری از قانون‌گذاران دموکرات خواستار کنار گذاشتن او شده‌اند و استدلال می‌کنند تهدید به هدف قرار دادن زیرساخت‌های غیرنظامی ایران، از نیروگاه تا پل‌ها، از مرزهای معمول لفاظی سیاسی گذشته است. همین هم‌زمانی اعتراض دموکرات‌ها با طغیان بخشی از چهره‌های «مگا»، تصویری نادر از انزوای سیاسی ترامپ در لحظه‌ای بسیار حساس از بحران ایران ایجاد کرده است.

به این ترتیب، بحث بر سر ایران اکنون فقط مناقشه‌ای درباره جنگ و دیپلماسی نیست، بلکه به آزمونی برای انسجام پایگاه سیاسی ترامپ هم بدل شده است. در حالی که او تهدیدهایش را با زبان آخرالزمانی مطرح کرده و سپس بخشی از آن‌ها را به‌طور موقت عقب کشیده، واکنش‌های اخیر نشان می‌دهد که بخشی از نیروهای اصلی «مگا» دیگر حاضر نیستند هر تصمیم او را به نام وفاداری سیاسی توجیه کنند. همین موضوع می‌تواند در صورت تداوم جنگ یا بازگشت دوباره ترامپ به تهدید حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، به شکافی عمیق‌تر در قلب ائتلاف سیاسی او تبدیل شود.

دموکرات‌ها تهدید ترامپ به نابودی «کل یک تمدن» را محکوم کردند

مگان مینیرو و مایکل گولد / نیویورک تایمز / ۷ آوریل ۲۰۲۶

دموکرات‌های آمریکا روز سه‌شنبه تهدید پرزیدنت ترامپ مبنی بر نابودی «کل یک تمدن» در ایران را به‌شدت محکوم کردند؛ در همین حال، تعداد فزاینده‌ای از نمایندگان ضمن تردید در مورد صلاحیت روانی ترامپ برای ریاست‌جمهوری، خواستار برکناری او از قدرت شدند. قانون‌گذاران به‌طور گسترده هشدار دادند که حملات نظامی همه‌جانبه ایالات متحده به اهداف غیرنظامی، جنایت جنگی محسوب می‌شود. آن‌ها استدلال کردند که تهدید ترامپ در فضای مجازی، تنها تلاش‌ها برای پایان دادن به درگیری از طریق دیپلماسی را تضعیف می‌کند. چاک شومر، سناتور نیویورک و رهبر اقلیت سنا، در بیانیه‌ای مشترک با چندین سناتور ارشد دموکرات گفت: «تخریب عمدی برق، آب یا زیرساخت‌های اساسی که ده‌ها میلیون غیرنظامی به آن وابسته هستند - آن هم برای مجازات همان غیرنظامیانی که خود از دست رژیم ایران رنج می‌برند - مصداق جنایت جنگی، خیانت به ارزش‌های بنیادین این ملت و یک شکست اخلاقی است.»

شومر به‌همراه سناتورهای کریس کونز(دلاور)، جین شاهین(نیوهمپشایر)، جک رید(رودآیلند) و برایان شاتز(هاوایی) افزودند: «تهدید جان این همه انسان - پدربزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها، کودکان و خانواده‌ها - صرفاً به این دلیل که در ایران متولد شده‌اند، غیرقابل توجیه است.» آقای رید، دموکرات ارشد کمیته نیروهای مسلح، در بیانیه‌ای تند و تیز اظهار داشت که تهدید رییس‌جمهور «مشابه نسل‌کشی» و یک «اقدام مجرمانه» است. رید که معمولاً با لحنی سنجیده سخن می‌گوید، افزود که به نظر می‌رسد ترامپ «کنترل خود را از دست داده» و «به اندازه رهبران رژیم در تهران متعصب شده است.»

بسیاری دیگر از قانون‌گذاران که اغلب گرایش‌های چپ‌گرایانه دارند، هشدار رید را گامی فراتر برده و پیشنهاد کردند که تهدیدهای ترامپ زمینه‌ای برای استیضاح او توسط کنگره یا سلب قدرت از وی توسط کابینه از طریق متمم ۲۵ قانون اساسی است.

سارا جیکوبز، نماینده دموکرات کالیفرنیا، در مطلبی در رسانه‌های اجتماعی نوشت: «رییس‌جمهور همین حالا تهدید به نسل‌کشی کرد. ستاد مشترک ارتش باید از هرگونه دستور نظامی که قوانین فدرال و بین‌المللی را نقض می‌کند، سرپیچی کند.

جمهوری خواهان در کنگره دیگر نمی‌توانند پنهان شوند: ما باید تمام گزینه‌ها - از جمله استیضاح - را برای متوقف کردن ترامپ بررسی کنیم.» خواکین کاسترو، نماینده دموکرات تگزاس، از کابینه ترامپ خواست تا به متمم قانون اساسی استناد کنند؛ متممی که به معاون رئیس‌جمهور و اعضای کابینه اجازه می‌دهد اعلام کنند رییس‌جمهور «قادر به اجرای اختیارات و وظایف دفتر خود نیست.»

کاسترو در فضای مجازی نوشت: «واضح است که زوال(توانمندی‌های) رییس‌جمهور ادامه دارد و او صلاحیت رهبری ندارد.»

این درخواست‌ها برای برکناری از سوی بخشی از دموکرات‌های کنگره مطرح شده است. با این حال، این اعتراضات فزاینده نشان‌دهنده یک تغییر موضع در مقایسه با بخش عمده‌ای از دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ است؛ دوره‌ای که در آن قانون‌گذاران حزب پس از دو تلاش ناموفق برای برکناری او در طول دوره اول و بلافاصله پس از آن، تا حد زیادی از چنین درخواست‌هایی خودداری کرده بودند.

در هر دو مجلس، قانون‌گذاران دموکرات هشدار دادند که ضرب‌الاجل ترامپ تنها باعث عقب‌گرد در هرگونه گفتگو برای پایان دادن به جنگی می‌شود که در سراسر منطقه گسترش یافته است.

گرگوری میکس، نماینده نیویورک و دموکرات ارشد کمیته امور خارجی، در بیانیه‌ای گفت: «تهدید به نابودی نیروگاه‌ها و پل‌های ایران یک استراتژی نیست، بلکه یک جنایت جنگی است. در این لحظه بحرانی، ایالات متحده باید به دنبال تنش‌زدایی فوری و یک استراتژی دیپلماتیک هماهنگ با متحدان مان باشد.»

سایر دموکرات‌های مجلس نمایندگان، از جمله حکیم جفریس، رهبر اقلیت از نیویورک، انگشت اتهام را به سمت جمهوری خواهان کنگره گرفتند و خواستار آن شدند که قانون‌گذاران «فورا به جلسات بازگردند و برای پایان دادن به این جنگ انتخابی و بی‌پروای خاورمیانه رای دهند، پیش از آنکه دونالد ترامپ کشورمان را به جنگ جهانی سوم بکشاند...»

جمهوری خواهان کنگره پس از اظهارات وی مبنی بر حمله به اهداف غیرنظامی در صورت عدم بازگشایی تنگه هرمز توسط دولت ایران تا غروب سه‌شنبه، تا حد زیادی سکوت اختیار کردند.

خسارات نسبی اقتصادی جنگ ۳۹ روزه برای اسرائیل و آمریکا

ادامه جنگ، افزایش هزینه‌های دفاعی و فضای عدم اطمینان از عوامل اصلی این به‌روزرسانی هستند. وزارت دارایی اسرائیل اعلام کرده است که پیش‌بینی‌ها اکنون بر اساس سناریوهای مختلف، از پایان زودهنگام جنگ تا تداوم آن تا تابستان، تنظیم شده‌اند. انتظار می‌رود برای سه‌ماهه نخست سال اقتصاد اسرائیل اندکی کوچک شود، اما در صورت پایان درگیری‌ها تا بهار، رشد نزدیک به ۳٫۸ درصدی قابل دستیابی خواهد بود.

در همین راستا، پارلمان اسرائیل، کنست، روز دوشنبه ۳۰ مارس-۱۰ فروردین، بودجه دفاعی سنگینی به ارزش ۶۹۹ میلیارد شیکل (حدود ۲۲۱ میلیارد دلار) تصویب کرد؛ رقمی که نشانگر اولویت یافتن امنیت در ساختار اقتصادی کشور است. با این حال، پیش‌بینی‌ها برای اقتصاد سال ۲۰۲۷ اسرائیل همچنان خوش‌بینانه‌اند و رشدی ۵٫۳ تا ۶٫۱ درصدی انتظار می‌رود؛ نشانه‌ای از اینکه اقتصاد اسرائیل، به‌ویژه در بخش‌های فناوری و خدمات، ظرفیت بازگشت و انطباق با شرایط جنگی را حفظ کرده است.

شکاف شاخص‌ها با تجربه زیسته مردم

هم‌زمانی رشد اقتصادی و فرسودگی اجتماعی، شکافی معنادار ایجاد کرده است. در حالی که شاخص‌های کلان هنوز از تاب‌آوری اقتصاد حکایت دارند، تجربه روزمره شهروندان از اضطراب، خستگی و یاس خبر می‌دهند. گرچه بر اساس داده‌های رسمی، اقتصاد اسرائیل، برخلاف اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران که درگیر بحران‌های ساختاری هستند، هنوز کار می‌کند، اما شهروندان از لحاظ روانی زیر بار جنگ و پیامدهای آن فرسوده می‌شوند.

برخی کارشناسان امنیتی نیز معتقدند ورود بازیگران جدیدی مانند حوثی‌ها، که به گفته آنان بیش‌تر نقشی نمادین دارند، حتی اگر از نظر نظامی تعیین‌کننده نباشد، می‌تواند فشار روانی بر مردم را افزایش دهد.

اسرائیل از زمان حمله تروریستی ۷ اکتبر ۲۰۲۳، با حمله حماس به اسرائیل، جنگ خونینی را در غزه آغاز کرد که هنوز ادامه دارد. و سپس گسترش درگیری‌ها به لبنان و در نهایت تنش مستقیم نظامی با ایران، وارد دوره‌ای از جنگ‌ها در چند جبهه شده است؛ وضعیتی که هم‌زمان ساختار امنیتی، اقتصادی و روانی جامعه را تحت تأثیر قرار داده و چشم‌انداز پایان آن همچنان نامشخص است.

وزارت دارایی دولت اسرائیل، برآورد خود از خسارات وارده به اقتصاد این رژیم را هفته ای ۳ میلیارد دلار اعلام کرد. خسارات اقتصادی ناشی از جنگ با ایران رقمی معادل ۹٫۴ میلیارد شیکل (حدود ۲٫۹ میلیارد دلار) در هفته برآورد شده است.

این برآورد که برای اولین بار به‌صورت رسمی از سوی مقامات اقتصادی تل‌آویو اعلام می‌شود، نشان‌دهنده عمق بحران اقتصادی ناشی از تقابل نظامی با ایران است.

بر اساس اعلام وزارت دارایی رژیم صهیونیستی، این خسارت عظیم عمدتاً ناشی از سه عامل اصلی است:

۱. تعطیلی گسترده مراکز آموزشی: به دنبال فعال شدن دستورالعمل‌های جبهه داخلی (فرماندهی پدافند غیرعامل) در وضعیت قرمز (تحت حملات موشکی)، تمامی مدارس و مراکز آموزشی تعطیل شده‌اند که این امر ضربه سنگینی به اقتصاد و اشتغال وارد کرده است.
۲. محدودیت‌های شدید تردد: فرماندهی جبهه داخلی دولت اسرائیل محدودیت‌های شدیدی برای تردد شهرک‌نشینان اعمال کرده که عملاً فعالیت بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارها را متوقف ساخته است.
۳. فراخوان گسترده نیروهای ذخیره: بسیج نیروهای ذخیره نه تنها هزینه مستقیم بالایی دارد، بلکه بخش قابل توجهی از نیروی کار ماهر را از چرخه تولید خارج کرده است.

افزایش کسری بودجه فراتر از پیش‌بینی‌ها

هم‌زمان با اعلام این خسارات، وزارت دارایی دولت اسرائیل، از افزایش کسری بودجه فراتر از اهداف تعیین شده خبر داد. بتزلال اسموتریچ، وزیر دارایی این دولت، اعتراف کرد که کسری بودجه ۲۰۲۶ از هدف ۳٫۹ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر خواهد رفت.

اسموتریچ در اظهاراتی با اشاره به تصویب ۹ میلیارد شیکل (۲٫۹ میلیارد دلار) مکمل بودجه دفاعی گفت: «از افزایش یک درصدی دیگر کسری بودجه نیز هراسی ندارم و هر آنچه ارتش برای بهترین نحو ممکن انجام عملیات نیاز داشته باشد، دریافت خواهد کرد.»

خسارت‌های مستقیم به اموال شهروندان

اداره مالیات دولت اسرائیل، اعلام کرد در همان ۲۴ ساعت نخست جنگ، حدود ۱۰۰۰ ادعای خسارت مستقیم به اموال ثبت شده است. همچنین ۳۴۵ شهرک‌نشین در پی حملات موشکی تلافی‌جویانه ایران از منازل خود تخلیه شده‌اند.

امیر داهان، مدیر بخش مالیات بر املاک این دولت، گفت: «خسارت ناشی از انفجارها بسیار زیاد است و تا شعاع ۵۰۰ تا ۷۰۰ متری را در بر می‌گیرد.»

فلج زیرساخت‌های حمل‌ونقل

جنگ با ایران باعث تعطیلی فرودگاه بین‌المللی بن‌گوریون و توقف پروازها شده است. هم‌زمان، شرکت‌های بین‌المللی کشتیرانی از پهلوگیری در بنادر اسرائیل خودداری می‌کنند که این امر دولت اسرائیل را ناچار کرده برای دریافت کالاها به مسیرهای زمینی از طریق مرزهای خاکی متوسل شود.

پیش‌بینی کارشناسان از تشدید بحران

پروفسور ایال کیمچی از مؤسسه تحقیقات اقتصادی شورش (Shoresh Institution) در گفت‌وگو با روزنامه جروزالم پست هشدار داد: «هزینه‌های مستقیم نظامی شامل روزهای ذخیره، ساعات پرواز، موشک‌های رهگیر و مهمات به میلیاردها شکل می‌رسد، اما هزینه تعطیلی نسبی فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند حتی از این هم بیشتر باشد.»

کیمچی با اشاره به تعطیلی مدارس به عنوان جدی‌ترین تهدید بلندمدت افزود: «با توجه به این‌که سرمایه انسانی مهم‌ترین منبع اقتصادی اسرائیل است، این یک نگرانی واقعی محسوب می‌شود.»

کارشناسان اقتصادی هشدار داده‌اند در صورت تداوم جنگ، رتبه اعتباری دولت اسرائیل با کاهش مواجه خواهد شد.

هزینه حملات آمریکا علیه ایران در ۱۰ روز به بیش از ۱۰ میلیارد دلار رسید

حملات نظامی ایالات متحده علیه ایران در مدت ۱۰ روز حدود ۱۰,۳۵ میلیارد دلار هزینه در برداشته است؛ رقمی که به طور میانگین بیش از یک میلیارد دلار در روز برآورد می‌شود.

بر اساس تحلیل خبرگزاری آنادولو، این رقم معادل حدود ۱,۲۳ درصد از کل بودجه دفاعی آمریکا در سال ۲۰۲۶ است. برآورد می‌شود نیروهای آمریکایی تنها در ۲۴ ساعت نخست آغاز حملات حدود ۷۷۹ میلیون دلار هزینه کرده باشند.

با گسترش این درگیری‌ها، هزینه‌ها نیز بر اساس تخمین ساعات پرواز، هزینه‌های نگهداری و مصرف مهمات، که از درخواست‌های بودجه‌ای وزارت دفاع آمریکا برای سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ استخراج شده، به چندین میلیارد دلار افزایش یافته است.

داده‌های مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی نشان می‌دهد صد ساعت نخست حملات حدود سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار هزینه داشته است. با تعمیم این رقم به یک دوره ده‌روزه، هزینه‌ها به حدود هشت میلیارد دلار می‌رسد.

خسارت به تجهیزات نظامی آمریکا

علاوه بر هزینه‌های مربوط به حملات، بر اساس برآورد خبرگزاری آنادولو، ایران نیز حدود دو میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار به تجهیزات نظامی آمریکا آسیب زده یا آن‌ها را منهدم کرده است.

بزرگ‌ترین خسارت منفرد مربوط به سامانه رادار هشدار زودهنگام آمریکا در پایگاه هوایی العدید در قطر است که ارزش آن حدود یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. این سامانه در جریان حمله موشکی ایران در آغاز حملات تلافی‌جویانه در بیست‌وهشتم فوریه هدف قرار گرفت.

مقام‌های قطری نیز تأیید کردند که این رادار مورد اصابت قرار گرفته و آسیب دیده است.

در نخستین حمله تلافی‌جویانه ایران، مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در منامه بحرین نیز هدف قرار گرفت که در نتیجه آن دو پایانه ارتباطات ماهواره‌ای و چند ساختمان بزرگ تخریب شد.

گزارش‌های اطلاعاتی مبتنی بر منابع باز این پایانه‌ها را سامانه‌های ارتباطات ماهواره‌ای معرفی کرده‌اند که با در نظر گرفتن هزینه استقرار و نصب، حدود ۲۰ میلیون دلار ارزش دارند.

علاوه بر این، تصاویر ماهواره‌ای که روزنامه نیویورک تایمز از اردوگاه عریفجان در کویت تحلیل کرده، نشان می‌دهد سه گنبد محافظ تجهیزات راداری نیز نابود شده‌اند که حدود ۳۰ میلیون دلار خسارت دیگر به همراه داشته است.

در روز دوم حملات نیز سه فروند جنگنده اف-۱۵ ایگل در یک حادثه آتش خودی ناشی از سامانه‌های دفاع هوایی کویت از بین رفتند. هرچند هر شش خدمه این هواپیماها زنده ماندند، اما هواپیماها نابود شدند و هزینه جایگزینی آن‌ها حدود ۲۸۲ میلیون دلار برآورد می‌شود.

مقام‌های آمریکایی روز جمعه گذشته، اعلام کردند که در ابتدای درگیری سه پهپاد شناسایی ریپر متعلق به نیروی هوایی آمریکا ساقط شده‌اند که ارزش آن‌ها حدود ۹۰ میلیون دلار بوده است. پس از آن نیز گزارش شد یک پهپاد دیگر از همین نوع توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران ایران بر فراز استان هرمزگان سرنگون شده و مجموع خسارت این پهپادها به حدود ۱۲۰ میلیون دلار رسیده است.

همچنین به نظر می‌رسد دست کم دو بخش از سامانه راداری متعلق به سامانه دفاع موشکی تاد در حملات جداگانه در امارات متحده عربی و اردن منهدم شده باشند که ارزش هر یک حدود ۵۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.

گزارش‌هایی نیز از اصابت به یک سامانه دیگر در امارات منتشر شده، اما این موضوع هنوز از طریق تصاویر ماهواره‌ای یا بیانیه‌های رسمی تأیید نشده است.

هزینه حملات

مقام‌های پنتاگون به کنگره اعلام کرده‌اند که هفته نخست حملات به تنهایی حدود شش میلیارد دلار هزینه داشته است که شامل حدود چهار میلیارد دلار برای مهمات و رهگیرهای پیشرفته موشکی می‌شود.

بر اساس این داده‌ها، میانگین هزینه روزانه حدود ۸۵۷ میلیون دلار برآورد شده و مجموع هزینه‌ها در ده روز به حدود هشت میلیارد و ۵۷۰ میلیون دلار می‌رسد. با این حال، رقم اعلام‌شده توسط پنتاگون شامل خسارت تجهیزات نظامی نیست.

بر اساس برآورد مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، جایگزینی مهمات مصرف‌شده در صد ساعت نخست حملات حدود سه میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت و هزینه جایگزینی مهمات با همان سطح مصرف، روزانه حدود ۷۵۸ میلیون دلار افزایش می‌یابد.

در همین حال، نیروهای دریایی آمریکا که در منطقه مستقر شده‌اند، از جمله ناوهای هواپیمابر آبراهام لینکلن و جرالد آر. فورد به همراه ناوشکن‌ها و شناورهای اسکورت، روزانه حدود ۱۵ میلیون دلار هزینه عملیاتی دارند.

گزارش‌ها، همچنین حاکی از آن است که در صورت استقرار گروه رزمی ناو هواپیمابر جورج اچ. دبلیو. بوش در حوزه عملیاتی فرماندهی مرکزی آمریکا، این هزینه‌ها می‌تواند افزایش یابد.

بر اساس این شاخص‌ها، خبرگزاری آنادولو برآورد می‌کند هزینه مهمات و هزینه‌های مرتبط با حملات طی این مدت به حدود هفت میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسیده است.

با افزودن دو میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار خسارت تجهیزات نظامی به این رقم، مجموع هزینه آمریکا در ده روز نخست این درگیری‌ها حدود ده میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار برآورد می‌شود؛ یعنی به طور میانگین حدود یک میلیارد و ۳۰ میلیون دلار در روز اس

برآوردها نشان می‌دهد حملات ایران ۸۰۰ میلیون دلار به پایگاه‌های مورد استفاده آمریکا خسارت وارد کرده است

۳ فروردین ۱۴۰۵ - ۲۳ مارس ۲۰۲۶ یک تحلیل جدید نشان می‌دهد حملات ایران به پایگاه‌های نظامی مورد استفاده آمریکا در خاورمیانه در دو هفته نخست جنگ حدود ۸۰۰ میلیون دلار خسارت وارد کرده است.

بر اساس گزارشی از «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» و تحلیل بی‌بی‌سی، بخش عمده این خسارت‌ها در حملات تلافی‌جویانه اولیه ایران در هفته پس از آغاز جنگ از سوی آمریکا و اسرائیل وارد شده است.

ابعاد کامل خسارت ناشی از حملات ایران به دارایی‌های آمریکا در منطقه هنوز روشن نیست.

با این حال، برآورد ۸۰۰ میلیون دلاری خسارت به زیرساخت‌های نظامی آمریکا که رقمی بالاتر از گزارش‌های پیشین است، تصویری از هزینه‌های سنگینی را ترسیم می‌کند که با طولانی شدن این درگیری به آمریکا تحمیل می‌شود.

مارک کانسیان، مشاور ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی و از تهیه‌کنندگان این گزارش، می‌گوید: «خسارات واردشده به پایگاه‌های آمریکا در منطقه کمتر از حد واقعی گزارش شده است. اگرچه به نظر می‌رسد این خسارات گسترده باشد، اما میزان کامل آن تا زمانی که اطلاعات بیشتری منتشر نشود مشخص نخواهد شد.»

وزارت دفاع آمریکا در پاسخ به درخواست اظهار نظر، بی‌بی‌سی را به فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام)، که هدایت جنگ را بر عهده دارد، ارجاع داد. مقام‌های این نهاد از اظهار نظر خودداری کردند.

حملات تلافی‌جویانه ایران، سامانه‌های پدافند هوایی و ارتباطات ماهواره‌ای آمریکا و دیگر دارایی‌ها را در اردن، امارات متحده عربی و سایر کشورهای خاورمیانه هدف قرار داد.

بخش قابل توجهی از این خسارات، ناشی از حمله به یک رادار آمریکایی مربوط به سامانه دفاع موشکی تاد در یک پایگاه هوایی در اردن بوده است.

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی با استناد به بودجه وزارت دفاع آمریکا، قیمت سامانه راداری AN/TPY-2 را حدود ۴۸۵ میلیون دلار برآورد کرده است. این سامانه‌های پدافند هوایی برای رهگیری موشک‌های بالستیک در بردهای بلند استفاده می‌شوند.

همچنین برآورد می‌شود که حملات ایران حدود ۳۱۰ میلیون دلار خسارت به ساختمان‌ها، تاسیسات و سایر زیرساخت‌ها در پایگاه‌های آمریکا و پایگاه‌های نظامی مورد استفاده نیروهای آمریکایی در منطقه وارد کرده است.

بر اساس تحلیل تصاویر ماهواره‌ای بی‌بی‌سی وریفای، ایران دست کم سه پایگاه هوایی را بیش از یک بار هدف قرار داده است. این حملات تکراری نشان‌دهنده تلاش ایران برای هدف‌گیری دقیق دارایی‌های مشخص آمریکا است. گزارش شده که روسیه اطلاعاتی درباره نیروهای نظامی آمریکا در منطقه در اختیار تهران قرار داده است.

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد سه پایگاه -علی السالم در کویت، عدید در قطر و شاهزاده سلطان در عربستان سعودی- در مراحل مختلف درگیری دچار آسیب‌های بیش‌تری شده‌اند.

اقتصاد جهان متأثر از تکانه‌های شدید جنگ امریکا و اسرائیل با ایران

به گزارش رویترز، حمله امریکا و اسرائیل به ایران و گسترش دامنه درگیری به منطقه، کسب‌وکارها در کل جهان را متزلزل کرده است. چنانچه قیمت جهانی انرژی افزایش یافته، عرضه مواد خام مهم محدود شده و نگرانی‌ها درباره امنیت مسیرهای تجاری که برای انتقال مواد غذایی حیاتی‌اند، بیش‌تر شده است. افزون بر آن، گسترش این درگیری، مسیرهای اصلی حمل‌ونقل هوایی و دریایی در خاورمیانه را مختل کرده است. حمل‌ونقل دریایی از طریق تنگه هرمز، گذرگاهی که حدود یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند، تقریباً به حالت توقف نزدیک شده و مسیرهای پرتدد هوایی در منطقه خلیج فارس نیز عملاً متوقف شده‌اند.

افزایش شدید قیمت نفت و گاز، هزینه‌های شرکت‌ها را بالا برده و سود آن‌ها را کاهش داده است. این وضعیت همچنین برای سیاست‌گذاران و سرمایه‌گذاران نگرانی‌هایی درباره شکل‌گیری موج تازه‌ای از تورم ایجاد کرده است.

افزایش قیمت بنزین به‌ویژه در امریکا ضربه تازه‌ای به مصرف‌کنندگان این کشور وارد کرده است. روز جمعه قیمت متوسط هر گالن بنزین معمولی در سراسر امریکا به ۳٫۳۲ دلار رسید؛ در حالی که یک هفته پیش این رقم ۲٫۹۸ دلار بود. قیمت نفت برنت نیز به ۹۰ دلار در هر بشکه افزایش یافته است.

در اروپا که هنوز در حال بازیابی از بحران انرژی سال ۲۰۲۲ است، این فشار برای صنایع انرژی‌بر مانند صنایع شیمیایی بسیار شدیدتر است. موسسه اقتصادی آلمان اعلام کرد که اگر قیمت نفت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه برسد، ممکن است در سال جاری ۰٫۳ درصد از تولید ناخالص داخلی آلمان و در سال آینده ۰٫۶ درصد آن کاهش یابد. این به‌معنای از دست رفتن حدود ۴۰ میلیارد یورو تولید اقتصادی طی دو سال است.

با این حال، اتحادیه صنایع انرژی‌بر فرانسه که صنایع شیمیایی، موتورسازی و کشاورزی را نمایندگی می‌کند، هشدار داد که برخی شرکت‌ها از هم‌اکنون در حال کاهش تولید هستند.

این اتحادیه، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تأثیر بر قیمت گاز در اروپا فوری بوده و قیمت‌های لحظه‌ای حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است و درباره آینده آن نیز عدم قطعیت زیادی وجود دارد. بنابراین برخی تولیدات متوقف یا کند شده‌اند.»

سهام شرکت‌های هواپیمایی نیز به‌شدت سقوط کرده است. شرکت هواپیمایی ارزان‌قیمت اروپایی «ویز ایر» هشدار داد که جنگ می‌تواند سود خالص آن برای سال مالی ۲۰۲۶ را حدود ۵۰ میلیون یورو کاهش دهد.

اختلال در حمل‌ونقل دریایی، همچنین بر مواد صنعتی مهم مانند گوگرد تأثیر گذاشته است. شرکت‌های حمل‌ونقل و بیمه نیز در واکنش به این درگیری، برخی قیمت‌ها را به‌شدت افزایش داده‌اند.

شرکت ذوب آلومینیوم قطری «قطالوم» این هفته شروع به تعطیل کردن عملیات خود کرده است. همچنین شرکت آلومینیوم بحرین اعلام کرده که به دلیل ناتوانی در انتقال فلز از طریق تنگه هرمز، ارسال محموله‌ها را متوقف کرده است.

منطقه خلیج حدود ۸ درصد از عرضه جهانی آلومینیوم را تامین می‌کند. افزون بر آن، قیمت آلومینیوم در بریتانیا نیز به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. مقام‌های کوریای جنوبی نیز هشدار داده‌اند که تداوم این درگیری می‌تواند عرضه مواد کلیدی از جمله هلیوم که برای تولید تراشه ضروری است، کاهش یابد. حملات پهپادی که به برخی از مراکز داده شرکت آمازون در امارات متحده عربی و بحرین آسیب رسانده، پرسش‌هایی درباره زنجیره تأمین فناوری در منطقه ایجاد کرده است.

بانک مورگان استنلی مستقر در امریکا، یکی از مهم‌ترین بازیگران در بازارهای مالی جهانی، هشدار داده است که یک شوک طولانی‌مدت در بازار انرژی می‌تواند اقتصاد جهانی را وارد «سناریوی رکود» کند.

تحلیل‌گران نیز گفته‌اند که اگر قیمت نفت به‌طور موقت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه برسد، رشد اقتصاد جهانی ممکن است ۰٫۴ واحد درصد کاهش یابد.



واحدهای مسکونی کدام استان‌ها بیشترین خسارت را در جنگ متحمل شدند؟/ چه کسی متولی جبران خسارت است؛ دولت یا شهرداری؟

روزنامه اقتصاد ۱۶ فروردین ۱۴۰۵

دنیای اقتصاد: دولت و شهرداری متولی جبران خسارت به واحدهای مسکونی و تجاری در جنگ فعلی هستند؛ در تهران و سایر کلان‌شهرها کار به مدیریت شهری سپرده شده و در سایر شهرها و مراکز استان، امور توسط بنیاد مسکن پیش برده می‌شود.

بیش از ۱۰۱ هزار واحد مسکونی در ۲۴ استان کشور در جنگ فعلی آسیب دیده‌اند، برآوردهای اولیه از اعتبار ۴۰ همتی در کشور برای جبران خسارت این آسیب‌ها حکایت دارد که ۲۳ همت از آن مربوط به تهران می‌شود. در حالی که شهرداری تهران و سایر کلان‌شهرها متولی جبران خسارت ناشی از جنگ واحدهای مسکونی است، کار بازسازی در سایر شهرها بر عهده دولت گذارده شده و قرار است بخش عمده‌ای از این تامین مالی با تکیه بر تسهیلات بانکی تامین شود. جنگ و خسارت تحمیلی ناشی از آن می‌تواند پیامدهای متعددی را بر صنعت ساختمان به همراه داشته باشد، در واقع لزوم تامین مالی برای جبران خسارت ناشی از جنگ باعث می‌شود که وام خرید مسکن، تسهیلات اعتباری مسکن ملی و در نهایت تسهیلات تولید مسکن برای بخش خصوصی به حاشیه رانده شده و پیش از گذشته تضعیف شود، موضوعی که چالش‌های حاکم بر صنعت ساختمان را دوچندان می‌کند.

واحدهای مسکونی در کدام استان‌ها بیشترین آسیب را دیدند؟

حدود ۱۰۱ هزار واحد مسکونی و تجاری طی ۳۰ روز ابتدایی جنگ فعلی یعنی از نهم اسفند پارسان تا روز نهم فروردین سال جدید در ۲۴ استان کشور آسیب دیده و خسارت به آنها در سامانه‌های مربوطه ثبت شده است. براساس آمار منتشر شده توسط دولت در همین زمان حدود ۳۳ هزار واحد در استان تهران آسیب دیده و به این ترتیب باید گفت که معادل یک‌سوم واحدهای آسیب‌دیده در تهران واقع شده‌اند و همانند جنگ ۱۲ روزه پایتخت بیشترین آسیب در بخش مسکونی را از جنگ فعلی نیز دیده است. از کل واحدهای آسیب‌دیده در تهران در جنگ فعلی برابر هزار و ۸۰۰ واحد نیاز به نوسازی دارد. بررسی‌ها از آن حکایت دارد که استان کرمانشاه با ۱۳ هزار و ۲۶۷ واحد، کردستان با ۸ هزار و ۴۰۷ واحد و ایلام با ۶ هزار و ۹۹۱ واحد که نیاز به تعمیر دارد، پس از تهران بیشترین آسیب در حد نیاز به تعمیر را از جنگ دیده است. همچنین در بخش واحدهای تخریب شده به ترتیب ایلام با ۱۸۷ واحد، کردستان با ۱۲۵ واحد در کردستان و لرستان با ۱۲۱ واحد پس از تهران در صدر آسیب‌های جنگی واحدهای مسکونی قرار دارند. کل واحدهای نیازمند به نوسازی در کل کشور برابر ۲ هزار و ۹۰۰ واحد است که حدود هزار و ۸۰۰ واحد از آن مربوط به تهران می‌شود.

هم‌چنین برآوردهای کارشناسی دولت از آن حکایت دارد که اسکان، جبران خسارت و بازسازی واحدهای مسکونی در جنگ فعلی تا روز نهم فروردین در تهران نیاز به اعتباری ۲۳ همتی و در سایر استان‌های کشور به اعتباری ۱۷ همتی و مجموعاً اعتباری ۴۰ همتی نیاز دارد. داده‌های ذکر شده در این گزارش براساس دو دسته آمار رسمی و همچنین مجموع اطلاعات استخراج شده در گفت‌وگو با مقام‌های مسئول استخراج شده است. براساس این داده‌ها تخریب واحدهای مسکونی در تهران تقریباً ۱۰ برابر دومین استان پراسیب بوده و در میزان خسارت نیز تهران بیش از ۳ برابر سایر استان‌ها در این جنگ آسیب دیده است.

متولی جبران خسارت‌ها

دولت و شهرداری متولی جبران خسارت به واحدهای مسکونی و تجاری در جنگ فعلی هستند؛ در تهران و سایر کلان‌شهرها کار به مدیریت شهری سپرده شده و در سایر شهرها و مراکز استان، امور توسط بنیاد مسکن پیش برده می‌شود. در شهرهایی که کار به دولت و بنیاد مسکن سپرده شده، باید میزان خسارت توسط کارشناسان بنیاد مسکن ارزیابی و تعیین شود، پس از آن بسته به میزان خسارت و جمعیت شهر یا روستا، وام‌های ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومانی قرض‌الحسنه با عنوان وام اسکان موقت به آسیب‌دیدگان اعطا می‌شود. در واقع به ساکنان خانه‌های روستایی که بر اثر جنگ تخریب شده‌اند وام ۳۰۰ میلیون تومانی، به ساکنین خانه‌های زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت وام ۴۰۰ میلیون تومانی، به ساکنین خانه‌ها در شهرهای با بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت وام ۶۰۰ میلیون تومانی و به ساکنین خانه‌های تخریب شده در مراکز استان وام ۷۰۰ میلیون تومانی برای اسکان موقت اعطا می‌شود. اما شهرداری تهران برای شهروندانی که خانه آن‌ها متأثر از جنگ قابلیت سکونت ندارد، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برنامه اسکان در هتل‌ها و مهمان‌پذیرها را داشته و به خانواده‌هایی که کار تعمیر واحدهای آن‌ها زمان‌بر است همانند جنگ ۱۲ روزه کمک هزینه برای اجاره خانه اعطا می‌کند.

اگر واحد مسکونی در تهران به دلیل جنگ آسیب دید یا تخریب شد، شهروندان می‌توانند موضوع را با شماره ۱۳۷۰۰۰۹۶ ثبت کرده و کد اولیه را دریافت کنند، در ادامه به ناحیه شهرداری محل سکونت خود مراجعه کرده و مراحل بازسازی براساس میزان آسیب طی شود. واحدهایی که در این جنگ از حملات هوایی آسیب دیده‌اند به ۴ دسته کلی تقسیم شده‌اند که شامل واحدهای با آسیب جزئی، واحدهای با آسیب متوسط، واحدهای با آسیب زیاد و واحدهای نیازمند نوسازی می‌شود. در دسته اول یعنی واحدهای با آسیب جزئی عمدتاً از محل شکستن شیشه یا تخریب پنجره مورد تخریب واقع شده‌اند. در دسته دوم یعنی واحدهای با آسیب متوسط تخریب دیوار نیز وجود دارد، اما این تخریب با تعمیرات ساده قابل رفع خواهد بود. آسیب جدی شامل واحدهایی می‌شود که نیاز به بازسازی دارند، اما سازه آسیب ندیده و بنابراین نیازی به تخریب و ساخت مجدد نیست. در نهایت نیز بخشی از واحدها نیاز به دلیل شدت حمله و تخریب نیاز به تخریب و نوسازی دارد که در استان تهران برابر هزار و ۸۰۰ واحد نیاز به نوسازی کامل دارند.

چه کسی بازسازی می‌کند؟ دولت یا شهرداری؟	
۱	* طی ۳۰ روز اول «جنگ اسفند»، ۹ اسفند تا ۹ فروردین، ۱۰۱ هزار واحد مسکونی در کل کشور دچار «خسارت» شدند. **در همین مدت ۲۹۰۰ واحد مسکونی نیز «تخریب» شدند. ***خسارت به خانه‌ها فقط در ۲۴ استان رخ داد. ****تخریب خانه‌ها نیز فقط در ۲۳ استان اتفاق افتاده است. *****«تخریب» به معنای «آسیب ۱۰۰ درصدی» با تایید سازمان نظام مهندسی است به این معنا که واحد مسکونی خسارت دیده مقاومت لازم ندارد و باید از نو ساخته شود.
۲	* در پایتخت، شهر تهران، ۳۳ هزار واحد مسکونی «خسارت» دیدند؛ یک سوم کل خسارت‌ها در کشور **در این کلان‌شهر، ۱۸۰۰ واحد مسکونی تخریب شدند؛ ۶۰ درصد کل تخریبی‌ها.
۳	* کار اسکان ساکنان خانه‌های تخریبی، بازسازی خانه‌های خسارت دیده و تخریبی در تهران با شهرداری است؛ شماره تلفن ۹۶۰۰۱۳۷ برای اعلام خسارت. **در سایر کلان‌شهر هم با شهرداری است. ***در سایر شهرها با بنیاد مسکن است.
۴	وام‌های ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومانی قرض‌الحسنه، ویژه «اسکان» برای ساکنان خانه‌های تخریبی، در شهرهایی غیر از تهران و کلان‌شهرها است.
۵	هنوز منابع اعتباری لازم برای بازسازی خانه‌ها در شهرهایی غیر از تهران و کلان‌شهرها تعیین نشده است اما پیشنهاد اولیه در دولت، «تامین اعتبار توسط دولت، منابع بنیاد مسکن، زمین‌های وزارت راه و شهرسازی و بودجه دستگاه‌ها برای کارمندان» است.
۶	برآورد اولیه نشان می‌دهد، صفر تا ۱۰۰ خسارت و تخریب واحدهای مسکونی در کل کشور، حدود ۴۰ همت می‌شود.
۷	پیامدهای وضعیت بازسازی: محدودیت منابع برای پرداخت وام خرید مسکن، حذف احتمالی اولویت مسکن ملی در تامین منابع ساخت، سخت‌تر شدن دسترسی شرکت‌های ساختمانی به تسهیلات.

به نظر می‌رسد که همانند جنگ ۱۲ روزه شهرداری تهران برای واحدهای با نیاز به تعمیر به سرعت پیش قدم شده و کار بازسازی به‌خصوص برای واحدهای با آسیب جزئی در حال انجام است. اما در خصوص واحدهایی که نیاز به تخریب و نوسازی دارد، قرار است که مدیریت شهری، کار بازسازی را به پیمانکار واگذار کند و پیمانکار بدون دریافت هزینه از مالکان و با دریافت تراکم مازاد از شهرداری هزینه لازم برای ساخت و ساز را تامین کند. احتمالاً در سایر کلان‌شهرها نیز شهرداری‌ها با دست فرمان شهرداری تهران پیش خواهند رفت. اما در سایر استان، تامین اعتبار برای بازسازی و نوسازی واحدهای تخریب شده در حال تصویب است و بررسی‌ها از آن حکایت دارد که قرار است این تامین مالی با ۴ روش انجام شود؛ روش اول شامل استفاده از اعتبارات دولت و بنیاد مسکن می‌شود، در روش دوم قرار است که دولت با اعطای زمین به سازندگان، تامین مالی بازسازی را انجام دهد. در روش سوم دستگاه‌های دولتی باید به کمک کارکنان خود رفته که خانه‌هایشان در جنگ آسیب دیده و از محل بودجه خود، تامین مالی بازسازی را محقق کند و در روش چهارم دولت سعی می‌کند تا با بخشودگی مالیاتی افراد را به بازسازی با هزینه شخصی تشویق کند.

پیامد جنگ بر بخش مسکن

آسیب به واحدهای مسکونی در جنگ فعلی و لزوم صرف هزینه برای تعمیر و بازسازی واحدهای آسیب دیده، به دلیل هزینه‌های تحمیلی پیامدهایی را برای صنعت ساختمان و بخش مسکن در پی دارد. در این شرایط عمده تسهیلات بانکی معطوف به بازسازی واحدهای آسیب دیده از جنگ شده و این موضوع اعتبار در شبکه بانکی برای خرید مسکن و دریافت وام جعله را به حاشیه می‌راند. دومین پیامد این جنگ در بخش مسکن به حاشیه رانده شدن پروژه‌های مسکن ملی به دلیل در اولویت قرار گرفتن کار بازسازی و نوسازی واحدهای آسیب‌دیده از جنگ خواهد بود. پیامد سوم جنگ بر بخش مسکن نیز به حاشیه رانده شدن بیشتر سرمایه‌گذاران ساختمانی است که در سال‌های قبل در عطش دریافت وام ساخت قرار داشتند و در این شرایط به اولویت آخر دریافت تسهیلات قرار می‌گیرند. مجموع موارد ذکر شده احتمال رشد مثبت در صنعت ساختمان در فصول آینده را کاهش می‌دهد، این در حالی است که متوسط رشد بخش ساختمان در دهه ۱۴۰۰ منفی شده بود.

تخلیه ۸ بیمارستان در تهران در پی حملات دشمن

روزنامه اعتماد، ۱۸ فروردین ۱۴۰۵

وزارت بهداشت: در پی حملات دشمن آمریکا و اسرائیل به ایران، ۵۴ پایگاه اورژانس، ۴۶ واحد مرکز درمانی و ۲۱۶ مرکز بهداشت آسیب دیده‌اند. هم‌چنین ۸ بیمارستان تخلیه شده و ۴۱ دستگاه آمبولانس نیز دچار خسارت شده‌اند.

استان‌های تهران و هرمزگان بیش‌ترین آمار جان‌باختگان را به خود اختصاص داده‌اند. از تعداد مصدومان ۴ هزار و ۷۲۱ نفر خانم، ۱۹۱۷ کودک زیر ۱۸ سال و ۶۸ کودک زیر ۲ سال بوده‌اند.

در حوزه درمان، ۳۲ هزار و ۵۳۳ نفر درمان و ترخیص شدند و ۴۸۰ بیمار بستری شده که روند درمان و ترخیص آن‌ها در حال انجام است و تاکنون یک هزار و ۲۰۰ مورد عمل جراحی بر روی مصدومان انجام شده است. تیم سلامت نیز متشکل از کادر درمان و اورژانس، ۱۱۷ مصدوم داشته و ۲۴ نفر از مدافعان سلامت در خط مقدم مقابله با بحران به جان باخته‌اند. هم‌چنین ۲۵۱ زن، ۲۱۶ کودک زیر ۱۸ سال و ۱۷ کودک زیر ۵ سال به جان باختند.

در این مدت، ده‌ها مرکز غیرنظامی از جمله مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس، مراکز امدادی و اماکن تاریخی مورد حمله قرار گرفته‌اند. برخی از این اهداف عبارتند از:

- مناطق مسکونی در میدان نیلوفر تهران (بیش از ۲۰ غیرنظامی جان باختند)
- یک مجتمع مسکونی پرجمعیت در سنندج
- ارگ تاریخی رادیو و کاخ گلستان در جنوب تهران
- بیمارستان گاندی تهران
- بازار بزرگ تهران
- بیمارستان ابوذر اهواز
- اطراف ساختمان جمعیت هلال احمر ایران، تهران
- بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران
- سازمان بهزیستی کشور، تهران
- بیمارستان مطهری تهران
- بیمارستان ولی عصر تهران
- بیمارستان تروما و سوختگی تهران
- مرکز مراقبت از نوزادان آمنه تهران
- بیمارستان قلب شهید رجایی تهران
- خانه‌های مسکونی اطراف میدان سپاه تهران
- مناطق مسکونی در مراغه (بیش از ۲۷ غیرنظامی کشته شدند)
- بیمارستان بقایی اهواز
- پایگاه اورژانس چابهار
- پایگاه اورژانس سراب
- پایگاه اورژانس همدان
- بیمارستان حضرت ابوالفضل میناب
- دبستان شهید محلاتی تهران
- مدرسه هدایت نارمک تهران
- یک سالن ورزشی در لامرد، استان فارس (۱۸ کودک و نوجوان جان باختند)
- کشته شدن ۳۵ غیرنظامی در استان فارس
- بازار میدان بهارستان تهران
- یک پارک کودکان در تهران
- مرکز اورژانس پزشکی تهران
- یک مهدکودک در نارمک
- خانه‌های مسکونی در نارمک، خیابان عراقی و بلوار مرزداران تهران
- میدان ارگ و محدوده تاریخی کاخ گلستان
- حمله به بلوار میرداماد که به ساختمان‌های مسکونی و مراکز درمانی آسیب رساند
- حمله به دو مقر پلیس دیپلماتیک

بمباران بناهای تاریخی

۱۳۱ بنای تاریخی در سطوح جهانی، ملی و واجد ارزش، هفت بافت تاریخی در شهرهای مختلف و بالغ بر ۴۸ موزه در سراسر کشور در جریان جنگ آسیب دیده‌اند. اینها آمار رسمی وزارت میراث فرهنگی از آسیب‌های جنگ است.

پیرحسین کولیوند(با توجه به داده‌های ساعت ۸ صبح جمعه ۱۴ فروردین تا ۸ صبح شنبه ۱۵ فروردین) اعلام کرد: حملات هوایی در استان‌های بوشهر، تهران، زنجان، فارس، لرستان و هرمزگان خسارات جدی به همراه داشته است. در استان تهران مناطقی از جمله ملارد، ولنجک (دانشگاه شهید بهشتی)، شهریار، فشم، قرچک و امامزاده داوود مورد اصابت قرار گرفته‌اند و در سایر استان‌ها نیز خسارات قابل توجهی به بندرعباس، بندر خمیر، نورآباد و جهرم وارد شده است. به گزارش فرارو، وی افزود: تاکنون ۲۲ هزار و ۸۱۰ واحد تجاری آسیب دیده و ۳۲۲ مرکز درمانی و بهداشتی، ۷۶۳ مدرسه، ۱۸ مرکز علمی و دانشگاهی و ۲۰ مرکز هلال‌احمر در این حملات خسارت دیده‌اند. همچنین تجهیزات امدادی شامل ۳ فروند بالگرد، ۴۶ دستگاه آمبولانس و ۴۸ خودروی عملیاتی آسیب دیده است.

کولیوند گفت: هدف قرار دادن مناطق غیرنظامی، مراکز درمانی، آموزشی و امدادی نه تنها نقض اصول تفکیک و تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه است، بلکه نشان‌دهنده شکست دشمن در دستیابی به اهدافش است. وی اضافه کرد که عاملان این حملات حتی به تعهدات و قواعدی که خود تدوین کرده‌اند، پایبند نیستند.

وی از شهادت ۴ امدادگر هلال‌احمر و ۲ مادر باردار و مجروح شدن ۱۸ نیروی امدادی خبر داد و گفت: در کادر درمان، ۲۴ شهید و ۱۱۶ مجروح ثبت شده است. از دیگر مصدق حملات، خسارت به زیرساخت‌های پتروشیمی خوزستان، پایانه تجاری مرز شلمچه، آزمایشگاه علمی دانشگاه شهید بهشتی و منازل مسکونی گزارش شده است.

رییس جمعیت هلال‌احمر تأکید کرد: جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران ضمن محکومیت قاطع این اقدامات، بر حق مردم در برخورداری از امنیت و حمایت‌های انسانی پایبند است و از مراجع داخلی و بین‌المللی خواست نسبت به این نقض فاحش حقوق بشردوستانه اقدام فوری کنند. وی خاطرنشان کرد: تا آخرین نفس در کنار مردم خواهیم ماند و با تمام توان از حقوق ملت دفاع خواهیم کرد. مسیر مقاومت و پایداری ادامه دارد و هرگز متوقف نخواهد شد.



اسرائیل به تاسیسات پتروشیمی در میدان گازی پارس جنوبی ایران حمله کرد

خبرگزاری فارس ایران، از وقوع چندین انفجار در نزدیکی یک پالایشگاه در شهر ساحلی عسلویه خبر داد؛ منطقه‌ای که قلب صنعت گاز ایران به‌شمار می‌رود. این منطقه بخشی از میدان گازی پارس جنوبی است که بزرگ‌ترین ذخیره شناخته‌شده گاز طبیعی در جهان است و حدود ۷۰ درصد از کل گاز مصرفی ایران را تامین می‌کند.

یسرائیل کاتس، وزیر دفاع اسرائیل، روز دوشنبه تأیید کرد که اسرائیل به مجتمع پتروشیمی پارس جنوبی در عسلویه حمله کرده است. او گفت این حمله «بزرگ‌ترین تاسیسات پتروشیمی ایران» را هدف قرار داده است، تاسیساتی که به گفته او «حدود ۵۰ درصد از تولید پتروشیمی کشور» را بر عهده دارد. در اواسط ماه مارچ نیز یکی از تاسیسات ایرانی در این منطقه هدف حمله اسرائیل قرار گرفته بود؛ حمله‌ای که در آن زمان به‌عنوان تشدید جدی تنش‌ها توصیف شد. ایران در واکنش، یک تاسیسات گازی در قطر را هدف قرار داد و خسارات قابل توجهی وارد کرد. دونالد ترامپ، گفته بود که از آن حمله پیشین از قبل اطلاع نداشته است، اما افزوده بود که اسرائیل وعده داده از هدف قرار دادن تاسیسات حساس گازی ایران در پارس جنوبی خودداری کند.

با این حال، از آن زمان تاکنون، ترامپ خود تهدید کرده است که اگر ایران تا ضرب‌الاجل تعیین‌شده در روز سه‌شنبه تنگه هرمز را باز نکند، زیرساخت‌های انرژی ایران را هدف قرار خواهد داد.



نابودی محیط زیست

حمله نظامی به ۵ پتروشیمی ایران در ۴۰ روز؛ پرونده فاجعه ای که باید روی میز WHO و UNEP قرار بگیرد. در جنگ‌ها معمولاً آمار کشته‌ها خبرساز می‌شود، اما گاهی فاجعه در جایی دیگر رخ می‌دهد؛ در هوا، در خاک و در آب. در هفته‌هایی که چند مجتمع بزرگ پتروشیمی ایران از ماهشهر و عسلویه تا تبریز و کنگان هدف حمله قرار گرفتند، تنها تاسیسات صنعتی نبودند که آسیب دیدند. هزاران تن مواد شیمیایی بالقوه خطرناک، مخازن هیدروکربنی و زیرساخت‌هایی که با اکوسیستم‌های انسانی و طبیعی درهم تنیده‌اند، ناگهان به کانون یک بحران زیست‌محیطی تبدیل شدند. انفجار در چنین مراکزی فقط شعله‌ای در افق یک شهر نیست؛ می‌تواند ابری از سموم در آسمان، زخمی ماندگار در خاک و موجی تازه از گازهای گلخانه‌ای در جو زمین باشد، فاجعه‌ای که پیامدهای آن بسیار فراتر از میدان جنگ و حتی فراتر از مرزهای یک کشور می‌رود.

در فاصله تنها ۴۰ روز از شروع حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران چند مجتمع بزرگ پتروشیمی از ماهشهر و پارس جنوبی عسلویه تا تبریز، مرودشت و کنگان هدف قرار گرفتند؛ مجموعه‌هایی که تنها کارخانه‌های تولید مواد شیمیایی نیستند، بلکه بخشی از شبکه حیاتی انرژی و صنعت در منطقه به شمار می‌آیند. حمله به چنین تاسیساتی صرفاً یک رویداد نظامی نیست؛ این اتفاق به سرعت به یک بحران سلامت عمومی و محیط‌زیستی تبدیل می‌شود؛ بحرانی که پیامدهای آن از محدوده شهرهای صنعتی فراتر می‌رود و می‌تواند تا سال‌ها بر سلامت انسان‌ها، اکوسیستم‌ها و حتی روند تغییرات اقلیمی اثر بگذارد.

ابراهای سمی بر فراز مناطق صنعتی؛ هشدار برای نظام سلامت جهانی

مجتمع‌های پتروشیمی محل ذخیره و فرآوری ترکیباتی هستند که در شرایط عادی نیز تحت نظارت شدید بهداشتی قرار دارند؛ موادی مانند بنزن، تولوئن، زایلن، اتیلن و طیفی از هیدروکربن‌های فرار. در صورت انفجار یا آتش‌سوزی، این ترکیبات به سرعت وارد جو می‌شوند و می‌توانند مخلوطی از گازهای سمی و ذرات معلق خطرناک تولید کنند. بر اساس راهنماهای سازمان جهانی بهداشت (WHO)، قرار گرفتن در معرض چنین آلاینده‌هایی با افزایش خطر سرطان‌های خونی، بیماری‌های مزمن ریوی، اختلالات عصبی و مشکلات قلبی ارتباط مستقیم دارد. ذرات معلق ریز موسوم به PM2.5 که در دود ناشی از سوختن مواد پتروشیمی فراوان‌اند، می‌توانند تا صدها کیلومتر جابه‌جا شوند و حتی جمعیت‌هایی را که از محل حادثه فاصله دارند در معرض تهدید قرار دهند. از همین رو در بسیاری از دستورالعمل‌های WHO تأکید شده است که حوادث صنعتی بزرگ می‌توانند به بحران‌های منطقه‌ای سلامت عمومی تبدیل شوند.

وقتی محیط زیست اولین قربانی می‌شود

آسیب به تاسیسات پتروشیمی تنها به آلودگی هوا محدود نمی‌ماند. در بسیاری از موارد، تخریب مخازن و خطوط انتقال می‌تواند به نشت گسترده مواد شیمیایی در خاک و منابع آبی منجر شود. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) در گزارش‌های خود درباره حوادث صنعتی هشدار داده است که هیدروکربن‌ها و ترکیبات آروماتیک می‌توانند سال‌ها در خاک باقی بمانند و چرخه‌های زیستی را مختل کنند. در مناطق ساحلی مانند عسلویه و ماهشهر، خطر آلودگی آب‌های خلیج فارس نیز به این بحران افزوده می‌شود؛ جایی که ورود مواد نفتی و شیمیایی می‌تواند به مرگ گسترده آبزیان، تخریب زیستگاه‌های مرجانی و اختلال در زنجیره غذایی دریایی بینجامد. چنین آسیب‌هایی اغلب فراتر از یک نسل باقی می‌مانند و بازسازی آن‌ها هزینه‌های سنگین زیست‌محیطی و اقتصادی در پی دارد.

هرچند برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP) مدعی است که با کشورهای عضو مختلف و سایر شرکا برای تقویت حفاظت از محیط زیست، قبل، حین و بعد از درگیری مسلحانه همکاری کرده اما حفاظت از محیط زیست قبل، حین و بعد از درگیری‌های مسلحانه باید به همان سطح از اهمیت سیاسی برسد که حفاظت از حقوق بشر اهمیت دارد.

یک محیط زیست سالم، پایه و اساسی است که صلح و بسیاری موارد از حقوق بشر بر اساس آن محقق می‌شوند. کنوانسیون تغییرات محیط زیست در سال ۱۹۷۶ با هدف ممنوعیت استفاده از تکنیک‌های تغییر در محیط زیست به‌عنوان ابزاری برای جنگ، تصویب شد. پروتکل اول، اصلاحیه‌ای بر کنوانسیون‌های ژنو که در سال بعد تصویب شد، شامل دو ماده (۳۵ و ۵۵) بود که جنگ‌هایی را که ممکن است باعث «آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی» شوند، ممنوع می‌کرد.

با این حال، کفایت این دو سند در طول جنگ خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ مورد تردید قرار گرفت. آلودگی گسترده ناشی از تخریب عمدی بیش از ۶۰۰ چاه نفت در کویت و ادعاهای بعدی مبنی بر ۸۵ میلیارد دلار خسارت زیست‌محیطی، منجر به درخواست‌های بیش‌تر برای تقویت حمایت قانونی از محیط زیست در طول درگیری‌های مسلحانه شد.

از وقتی که حملات آمریکا و اسرائیل به ایران آغاز شد، بسیاری از زیرساخت‌ها از جمله انبارهای نفت مورد حمله تجاوزگرایانه قرار گرفتند. یک سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو نگرانی‌هایی را در مورد تأثیرات بهداشتی و زیست‌محیطی حملات اسرائیل و آمریکا به انبارهای نفت در ایران به دلیل انتشار آلاینده‌های سمی در هوا، مطرح کرد. او گفت که این تأثیرات «سوالات جدی در مورد رعایت تعهدات تناسب و احتیاط تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه» در این حملات ایجاد می‌کند و تأکید کرد که به نظر نمی‌رسد مکان‌های مورد اصابت «استفاده نظامی انحصاری» داشته باشند. به گزارش الجزیره، هم‌چنین «ریستین لیند مایر»، سخنگوی سازمان جهانی بهداشت هشدار داد که «باران سیاه» و «باران اسیدی» که پس از حملات متجاوزان در تهران باریده است، در واقع خطری برای ایرانیان است.

نگرانی عمومی در مورد هدف قرار دادن یا سواستفاده از محیط زیست در زمان جنگ، اولین بار در طول جنگ ویتنام به اوج خود رسید. جنگ ویتنام به عنوان طولانی‌ترین جنگ در قرن بیستم و شکست نظامی آمریکا شناخته می‌شود. در ایالات متحده، این جنگ منجر به پدیده «سندرم ویتنام» شد که نشان‌دهنده نفرت عمومی نسبت به مداخلات نظامی آمریکا در کشورهای خارجی است.

در طول ۶۰ سال گذشته در جهان، غیرنظامیان قربانیان اصلی جنگ بوده‌اند. بنابراین، حفاظت از غیرنظامیان و اموال آن‌ها در طول درگیری‌های مسلحانه، سنگ بنای حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL) است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه هم‌چنین قرار است در زمان مناسب لازم الاجرا باشد تا بتواند حمایت‌های بیش‌تری را برای گروه‌های غیرنظامی آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و آوارگان فراهم کند.

ارزیابی‌های صورت گرفته روی عواقب جنگ‌های گذشته نشان داده است که اثرات زیست‌محیطی هدف قرار دادن ذخایر سوختی می‌تواند چندوجهی باشد. آتش‌سوزی‌های نفتی مواد مضر را در هوا آزاد می‌کنند از جمله دی‌اکسید گوگرد، دی‌اکسید نیتروژن، مونوکسید کربن، هیدروکربن‌های آروماتیک چند حلقه‌ای و سرب. این مواد می‌توانند قبل از رسوب در خاک، در یک منطقه وسیع منتشر شوند و اثرات جدی کوتاه‌مدت بر سلامت افراد و حیات وحش به ویژه افرادی که از قبل مشکلات تنفسی دارند، ایجاد کنند.

هم‌چنین آلودگی آب‌های زیرزمینی، زمین‌های کشاورزی و افرادی را که برای آبیاری، آشامیدن و مصارف خانگی به آب‌های زیرزمینی و سطحی متکی هستند، تهدید می‌کند. در عین حال قرار گرفتن طولانی‌مدت در معرض این مواد ممکن است منجر به اختلالات تنفسی، مشکلات کبدی و اختلالات کلیوی شود. از این رو، کارشناسان حقوق بشر تأکید دارند که مانند محافظت از غیرنظامیان در برابر کشتار، آزار و خسارات جانی و مالی، داشتن محیط زیست سالم نیز یک حق انسانی است که شایسته بررسی بیش‌تر در جوامع بین‌المللی است.

موضوع گسترده‌تر ردپای زیست‌محیطی جنگ و چگونگی تأثیر آن بر جمعیت‌ها و هم‌چنین حفاظت از منابع طبیعی، نیازمند چارچوب قانونی قوی‌تری برای رسیدگی به مسئولیت‌ها، ارائه پشتیبانی به موقع به افراد آسیب‌دیده و نیز محکوم کردن اقدامات متجاوزانه نظیر حملاتی است که در هفته‌های اخیر از سوی سه دولت جنگ‌طلب آمریکا و اسرائیل و ایران، به مردم ایران و اسرائیل و منطقه تحمیل شده است.



کارگران صنعت در خط مقدم بحران

در کنار خطرات زیست‌محیطی، نیروی انسانی فعال در این مجتمع‌ها نیز در معرض پیامدهای مستقیم قرار دارد. هزاران کارگر در واحدهای پتروشیمی و صنایع وابسته فعالیت می‌کنند و بسیاری از شهرهای صنعتی ایران به این تأسیسات وابسته‌اند. تخریب زیرساخت‌ها نه‌تنها امنیت شغلی این کارگران را تهدید می‌کند، بلکه خطر تماس مستقیم با مواد شیمیایی و دودهای سمی را نیز افزایش می‌دهد. سازمان جهانی بهداشت و سازمان بین‌المللی کار بارها تأکید کرده‌اند که کارگران صنایع شیمیایی در شرایط بحران‌های صنعتی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها محسوب می‌شوند و باید تحت حمایت‌های فوری بهداشتی و ایمنی قرار گیرند.

از آتش کارخانه‌ها تا گرمایش زمین

ساختن گسترده مواد پتروشیمی علاوه بر آلودگی فوری محیط زیست، پیامدهای اقلیمی نیز به همراه دارد. در جریان چنین آتش‌سوزی‌هایی مقادیر قابل توجهی دی‌اکسید کربن، متان و کربن سیاه وارد جو می‌شود؛ ترکیباتی که از مهم‌ترین عوامل تشدید گرمایش جهانی به شمار می‌روند. مطالعات اقلیمی نشان می‌دهد آتش‌سوزی‌های بزرگ صنعتی می‌توانند در مدت کوتاهی میلیون‌ها تن گاز گلخانه‌ای تولید کنند؛ رقمی که گاه با انتشار سالانه یک شهر متوسط برابری می‌کند. افزون بر آن، آسیب به تأسیسات می‌تواند باعث نشت طولانی‌مدت گازهای هیدروکربنی شود که اثر گرمایش آن‌ها چندین برابر دی‌اکسید کربن است.

بحرانی فراتر از میدان جنگ

آن‌چه در پی حمله به مجتمع‌های پتروشیمی رخ می‌دهد تنها تخریب چند تأسیسات صنعتی نیست. این حوادث می‌توانند مجموعه‌ای از بحران‌های بهداشتی، زیست‌محیطی و اجتماعی را رقم بزنند؛ از افزایش خطر بیماری‌های تنفسی و سرطان در جوامع محلی گرفته تا آلودگی خاک و دریا و افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای در مقیاس جهانی. در جهانی که مبارزه با تغییرات اقلیمی و حفاظت از سلامت عمومی به یکی از اولویت‌های اصلی سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است، حوادثی از این دست یادآور این واقعیت‌اند که جنگ‌ها گاه نه فقط انسان‌ها، بلکه محیط زیست و آینده سیاره را نیز هدف قرار می‌دهند.

نابودی زیرساخت‌های جامعه ایران

مشاور عالی وزیر بهداشت: ده‌ها بیمارستان در حملات اخیر آسیب دیده‌اند.

به گزارش گروه اجتماعی خبرگزاری دانشجو، علی‌جعفریان مشاور عالی و جانشین وزیر بهداشت و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، در حاشیه تجمع اعتراضی دانشگاهیان و کادر سلامت در مجتمع بیمارستانی امام خمینی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: در حدود ۳۵ تا ۳۶ روزی که از آغاز جنگ می‌گذرد، بیش از ۲۰۰ مرکز سلامت در حوزه بهداشت و درمان در کشور آسیب دیده و حدود ۳۷ تا ۳۸ بیمارستان نیز دچار خسارت شده‌اند. وی افزود: هم‌چنین در این مدت ۳۰ دانشگاه کشور مورد حمله قرار گرفته‌اند و برخی مراکز علمی و پژوهشی از جمله بخش‌هایی از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز به‌طور مستقیم آسیب دیده‌اند.

مشاور عالی وزیر بهداشت با اشاره به آسیب دیدن زیرساخت‌های خدمات اورژانسی گفت: در این حملات، امکانات خدمات بهداشتی اولیه از جمله آمبولانس‌های زمینی، آمبولانس دریایی و بالگردهای امدادی نیز هدف قرار گرفته‌اند.

جعفریان ادامه داد: متأسفانه در جریان این حملات بیش از ۲۴ نفر از همکاران حوزه سلامت به شهادت رسیده‌اند و این موضوع نشان‌دهنده شدت و گستردگی آسیب‌هایی است که به بخش سلامت کشور وارد شده است.

وی با بیان این‌که این اقدامات برخلاف تمام ضوابط و قوانین بین‌المللی است، تأکید کرد: مراکز درمانی، آموزشی و تحقیقاتی طبق مقررات بین‌المللی نباید هدف حمله قرار بگیرند، اما در این حملات بسیاری از این مراکز مورد آسیب قرار گرفته‌اند و سکوت جامعه جهانی در برابر چنین اقداماتی می‌تواند پیامدهای خطرناکی در آینده داشته باشد.

مشاور عالی وزیر بهداشت همچنین درباره وضعیت ارائه خدمات درمانی در کشور گفت: با وجود این حملات، کادر سلامت در سراسر کشور بدون وقفه در حال ارائه خدمات هستند و کارکنان نظام سلامت با وجود نگرانی‌ها، مسئولیت حرفه‌ای خود را با جدیت انجام می‌دهند و اجازه نمی‌دهند خللی در خدمت‌رسانی به مردم ایجاد شود.

وی درباره روند بازسازی مراکز آسیب‌دیده نیز توضیح داد: مراکزی که آسیب‌های کمتری دیده‌اند هم‌اکنون روند بازسازی و ترمیم آنها آغاز شده است، اما در مورد بیمارستان‌هایی که خسارت‌های جدی‌تری داشته‌اند، بازسازی پس از پایدار شدن شرایط و رفع نگرانی‌های امنیتی آغاز خواهد شد.

جعفریان با اشاره به آمار مجروحان و جان‌باختگان حملات اخیر نیز گفت: تعداد مجروحان این حملات از ۳۰ هزار نفر گذشته است که حدود ۵ هزار نفر از آنان زنان و نزدیک به ۱۸۰۰ نفر زیر ۱۸ سال هستند. هم‌چنین تاکنون بیش از ۲۲۰ زن و حدود ۲۲۰ کودک و نوجوان در این حملات به شهادت رسیده‌اند. وی خاطر نشان کرد: این آمار نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف مورد حمله، مراکز غیرنظامی بوده‌اند و چنین اقداماتی مغایر با اصول انسانی و قوانین بین‌المللی است.

دود جنگ بر آسمان شهرهای ایران

چهل روز از آغاز حملات به شهرها و زیرساخت‌های صنعتی ایران می‌گذرد؛ حملاتی که علاوه بر تلفات انسانی، آسمان برخی شهرها را با دود سنگین پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها پوشانده است. کارشناسان هشدار می‌دهند پیامد این آتش‌ها تنها در لحظه انفجار خلاصه نمی‌شود و می‌تواند موجی از بیماری‌های تنفسی، قلبی و سرطان را در سال‌های آینده رقم بزند. در چنین شرایطی، این پرسش جدی مطرح است که سازمان جهانی بهداشت چه مسئولیتی در برابر چنین بحران سلامت‌محوری دارد و چرا واکنش آن تا این اندازه کم‌رنگ است؟

حمله به تأسیسات پتروشیمی

در هفته‌های گذشته، گزارش‌هایی از حمله به تاسیسات پتروشیمی در نقاط مختلف کشور منتشر شده است؛ از ماهشهر در جنوب تا مجتمع‌های صنعتی در تبریز. در تهران نیز حمله به پالایشگاه، ساعتی طولانی آسمان پایتخت را زیر لایه‌ای سنگین از دود سیاه فرو برد؛ دودی که نه فقط آسمان، بلکه خیابان‌ها، خانه‌ها و ریه‌های شهر را نیز پوشاند.

کارشناسان سلامت محیط می‌گویند آتش‌سوزی در پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی تنها یک حادثه صنعتی نیست. سوختن فرآورده‌های نفتی، ترکیبات آروماتیک، گوگرد، فلزات سنگین و ذرات معلق بسیار ریز را وارد هوا می‌کند. این ذرات می‌توانند تا روزها و حتی هفته‌ها در جو باقی بمانند و با هر نفس وارد بدن انسان شوند.

نتیجه چنین مواجهه‌ای، طیفی از بیماری‌هاست، تشدید آسم و بیماری‌های مزمن تنفسی، افزایش حملات قلبی، تحریکات شدید چشمی و پوستی، و در بلندمدت افزایش خطر سرطان. کودکان، سالمندان، زنان باردار و بیماران مزمن بیش از دیگران در معرض این آسیب‌ها قرار دارند. با وجود چنین پیامدهایی، پرسشی که در میان متخصصان سلامت عمومی و فعالان اجتماعی مطرح می‌شود این است که نقش و مسئولیت سازمان جهانی بهداشت در چنین شرایطی چیست؟

بر اساس اساسنامه سازمان جهانی بهداشت، این نهاد بین‌المللی موظف است در بحران‌هایی که سلامت عمومی جمعیت‌ها را تهدید می‌کند وارد عمل شود؛ چه این تهدید ناشی از بیماری‌های واگیردار باشد، چه فجایع زیست‌محیطی یا پیامدهای جنگ.

در قوانین بین‌المللی بشردوستانه، حمله به زیرساخت‌هایی که می‌تواند آسیب گسترده به غیرنظامیان وارد کند، به‌ویژه اگر منجر به فجایع زیست‌محیطی شود، موضوعی حساس و قابل بررسی است. تاسیسات نفتی و شیمیایی به دلیل خطر انتشار مواد سمی در بسیاری از اسناد حقوقی به‌عنوان اهداف پرریسک شناخته می‌شوند.

با این حال، تجربه جنگ‌های اخیر نشان داده است که واکنش نهادهای بین‌المللی سلامت اغلب کند، محدود یا محتاطانه است. بخشی از این مسئله به ماهیت این سازمان بازمی‌گردد. سازمان جهانی بهداشت یک نهاد فنی است و برای بسیاری از اقدامات میدانی به همکاری دولت‌ها و مجوزهای بین‌المللی نیاز دارد. با این وجود، سکوت یا تأخیر در واکنش نیز خود پیامدهایی دارد. در بحران‌هایی که آلودگی گسترده هوا و مواد شیمیایی درگیر است، هر روز تأخیر در ارزیابی و اطلاع‌رسانی می‌تواند به افزایش آسیب‌های سلامت منجر شود.

در شهرهایی که در هفته‌های اخیر دود پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها بر آسمانشان سایه انداخته، این خطر نه فقط در لحظه انفجار بلکه در روزها و ماه‌های پس از آن ادامه دارد. ذرات ریز معلق، ترکیبات سمی و آلودگی خاک و آب می‌توانند اثراتی طولانی‌مدت بر سلامت جمعیت‌ها بگذارند. برای بسیاری از خانواده‌ها، جنگ تنها صدای انفجار نیست؛ بلکه سرفه کودکی است که شب‌ها بند نمی‌آید، سوزش چشمی که با دود آرام نمی‌شود و اضطرابی که از ندانستن آنچه در هوا جریان دارد، هر روز عمیق‌تر می‌شود.

در چنین شرایطی، انتظار از نهادهای جهانی سلامت تنها صدور بیانیه نیست. پایش علمی، هشدارهای بهداشتی، کمک به نظام درمانی و مستندسازی دقیق اثرات جنگ بر سلامت مردم، حداقل اقداماتی است که می‌تواند از گسترش یک بحران انسانی پنهان جلوگیری کند.

جنگ‌ها معمولاً با شمارش تلفات انسانی سنجیده می‌شوند. اما آن‌چه کم‌تر دیده می‌شود، بیماری‌هایی است که در سایه دود و آلودگی متولد می‌شوند و سال‌ها بعد نیز ادامه پیدا می‌کنند. در آسمانی که سیاه می‌شود، تنها دود بالا نمی‌رود؛ آینده سلامت یک شهر نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد.

جنگ میان ایران و ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده و اسرائیل از اوایل سال ۲۰۲۶ به‌صورت مستقیم آغاز شد و در عرض یک ماه به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه‌ای تبدیل شد که نه فقط میدان‌های نظامی، بلکه میدان‌های رسانه‌ای، اقتصادی و روانی را نیز در بر گرفته است. این درگیری پس از حمله هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل در ۹ اسفندماه ۱۴۰۴ به اهداف مهم نظامی و سیاسی در ایران آغاز شد که طبق گزارش‌ها منجر به کشته شدن رهبر جمهوری اسلامی و ده‌ها مقام ایرانی شد. پاسخ متقابل جمهوری اسلامی ایران با تداوم حملات موشکی و پهپادی علیه اهداف در اسرائیل و پایگاه‌های آمریکایی نیز بخش دیگری از این بحران را تشکیل می‌دهد.

تحلیل رسانه‌ای این جنگ نشان می‌دهد که رسانه‌ها نه فقط گزارش‌دهنده رویدادها بوده‌اند، بلکه عامل فعال در شکل‌دهی افکار عمومی، تصمیم‌سازی سیاسی و فشار روانی بین‌المللی‌اند.

با تشدید درگیری‌های نظامی میان آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران در مارس ۲۰۲۶، به‌نظر می‌رسد که مردم ایران باید برای کنار آمدن با شکل تازه‌ای از فشار آماده شوند؛ فشاری که این‌بار از مسیر نظامی مستقیم احساس خواهد شد.

بسته شدن مسیرهای دریایی، افزایش ریسک حمل‌ونقل و آسیب به زیرساخت‌های بندری، این نگرانی را ایجاد کرده است که وضعیت تامین غذا در هفته‌ها و ماه‌های آینده چگونه خواهد بود.

ساختار تامین غذا در ایران به‌شدت به واردات دریایی وابسته است. بر اساس گزارش‌ها سالانه حدود ۲۵ میلیون تن کالای اساسی مانند گندم، ذرت، جو، سویا، روغن و شکر وارد کشور می‌شود که بیش از ۹۰ درصد آن از طریق بندر جنوبی، از جمله امام خمینی، شهید رجایی، بوشهر و چابهار انجام می‌گیرد.

این تمرکز باعث شده است تا این بندر نقش گلوگاه‌های حیاتی را داشته باشند. اکنون با آسیب به زیرساخت‌ها، افزایش هزینه‌های بیمه و محدود شدن پوشش بیمه‌ای، کارایی این مسیرها کاهش یافته است.

در این شرایط، بنادر شمالی مانند انزلی و امیرآباد تلاش کرده‌اند بخشی از کمبود را جبران کنند اما به دلیل حمله نظامی به بندر انزلی و محدودیت ظرفیت و دسترسی، نمی‌توانند جایگزین کامل مسیر جنوب باشند. بنابراین، استفاده از مسیرهای زمینی بیش از گذشته مطرح شده است.

حمله به شرکت‌های فولاد؛ فروریختن یکی از ستون‌های اقتصادی و نظامی ایران

۱۷ فروردین ۱۴۰۵ - ۶ آوریل ۲۰۲۶

با تشدید درگیری‌ها میان آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، دامنه حملات به زیرساخت‌های کلیدی صنعتی کشیده شده است. در این میان، هدف قرار گرفتن مجتمع‌های فولادی، به‌ویژه فولاد مبارکه اصفهان و فولاد خوزستان، نقطه عطفی در این روند است.

این دو شرکت از مهم‌ترین ارکان صنعت فولاد و اقتصاد صنعتی ایران هستند و علاوه بر تامین مواد اولیه برای طیف گسترده‌ای از صنایع راهبردی، سهم قابل توجهی در صادرات غیرنفتی و ارزآوری کشور دارند.

بازتاب بین‌المللی این حملات نیز قابل توجه بوده است. گزارش‌ها حاکی از وارد آمدن آسیب‌های جدی به زیرساخت‌های تولید و انرژی این مجتمع‌ها و توقف تولید است؛ آسیبی که به گفته منابع صنعتی، می‌تواند ظرفیت تولید و صادرات فولاد ایران را به‌طور محسوسی کاهش دهد. برآوردها نشان می‌دهد بازسازی کامل برخی واحدهای آسیب‌دیده، ماه‌ها زمان خواهد برد.

در خصوص دلایل این حملات، تحلیل‌ها متفاوت است.

تامیز اسرائیل علت این حمله را «اثر اقتصادی» آن بر ایران دانست. گزارش‌هایی درباره ارتباط بخشی از تولیدات این شرکت‌ها با زنجیره تامین صنایع دفاعی نیز مطرح شده است.

در مجموع، هدف قرار گرفتن صنعت فولاد، نه تنها به معنای اختلال در یک بخش اقتصادی، بلکه نشانه‌ای از آسیب‌پذیری یکی از زیرساخت‌های حیاتی ایران در شرایط جنگی است؛ موضوعی که پیامدهای آن به سرعت در تولید، صادرات و اشتغال و ادامه جنگ نمایان شده و حتی ممکن است وابستگی ایران به فولاد چین را افزایش دهد.

فولاد مبارکه؛ تعارض میان توسعه صنعتی و حفظ محیط زیست

بر اساس برآوردها، شرکت فولاد مبارکه اصفهان به عنوان بزرگترین تولیدکننده فولاد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، سهمی در حدود یک درصد از تولید ناخالص داخلی ایران دارد که نشان‌دهنده اهمیت راهبردی این مجموعه در اقتصاد ملی است.

مطابق صورت‌های مالی منتهی به اسفند ۱۴۰۳، فولاد مبارکه مستقیم و غیر مستقیم بین حدود ۱۲ هزار تا ۲۳ هزار نفر را به کار گرفته است.

در گزارش‌های صنعتی، فولاد مبارکه به عنوان شرکت مادر یک هلدینگ بزرگ با بیش از ۱۲۰ شرکت زیرمجموعه معرفی می‌شود.

این شرکت تامین‌کننده مواد اولیه برای بیش از ۳۰۰۰ کارخانه و کارگاه در کشور است و نقشی کلیدی در زنجیره تولید صنایع پایین‌دستی دارد. به‌طور مشخص، حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد ورق‌های فولادی مورد نیاز خودروسازان بزرگ داخلی، از جمله ایران خودرو و سایپا را این شرکت تامین می‌کند.

بر اساس داده‌های عملیاتی، فولاد مبارکه پارسال حدود ۷/۸ میلیون تن محصول فروخت که ۳/۷ میلیون تن در بازار داخلی عرضه شد و ۴/۱ میلیون تن نیز صادر شد.

از منظر مالی، فولاد مبارکه در سال ۱۴۰۳ حدود ۲۷۶ هزار میلیارد تومان فروش داشت و سود ناخالص آن به حدود ۹۶ هزار میلیارد تومان رسیده است.

سعید زرنندی، مدیرعامل گروه فولاد مبارکه، گفته است که مجموع صادرات فولاد مبارکه از ابتدای فعالیت تاکنون به بیش از ۲۷ میلیون تن، معادل حدود ۱۲ میلیارد دلار درآمد رسیده و فروش داخلی نیز از ۱۵۶ میلیون تن فراتر رفته است.

از منظر ساختار مالکیتی، دولت اصلی‌ترین سهامدار فولاد مبارکه است. سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) به‌عنوان زیرمجموعه وزارت صنعت، معدن و تجارت، در کنار بانک تجارت و دیگر نهادهای وابسته به دولت، بخش قابل توجهی از سهام این شرکت را در اختیار دارند.

با این حال، فعالیت فولاد مبارکه همواره با حاشیه‌هایی نیز همراه بوده است. در سال ۱۴۰۰، گزارش تحقیق و تفحص مجلس از این شرکت منتشر شد که در آن از تخلفاتی به ارزش حدود ۹۲ هزار میلیارد تومان سخن به میان آمد.

بر اساس جزئیات منتشرشده، کمیته تحقیق مجلس مدیران ارشد فولاد مبارکه را به سوءاستفاده از موقعیت، انعقاد قراردادهای صوری و غیرشفاف، پرداخت‌های خارج از ضابطه و غیرقانونی و به‌کارگیری نیروهای مبتنی بر روابط متهم کرده و این موارد را در چارچوب یک ساختار معیوب شامل خویشاوندسالاری، حقوق‌های بالا و رانت توصیف کرده است.

همچنین فولاد مبارکه اصفهان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان آب در استان بوده و سال‌ها سهم قابل توجهی از آب زاینده‌رود را برای تولید مصرف کرده است. این مصرف بالا، همراه با کشاورزی، از عوامل اصلی خشک شدن رودخانه زاینده‌رود و بحران آب اصفهان شناخته می‌شود.

هرچند شرکت در سال‌های اخیر با پروژه انتقال آب از خلیج فارس سعی در کاهش وابستگی به زاینده‌رود داشته است اما بسیاری از اصفهانی‌ها، همچنان آن را یکی از مقصران اصلی بی‌آبی و آسیب به کشاورزان می‌دانند.

از نظر آلودگی نیز، فولاد مبارکه سال‌ها یکی از آلاینده‌های اصلی هوای اصفهان بوده است. دودکش‌ها و گرد و غبار صنعتی آن باعث افزایش ذرات معلق و آلاینده‌های شیمیایی در هوا شده و بارها از سوی سازمان حفاظت محیط زیست اخطار گرفته و جریمه شده است. به‌طور خلاصه، فولاد مبارکه برای بسیاری از مردم اصفهان نماد تعارض توسعه صنعتی و حفظ محیط زیست است.

دومین تولید کننده فولاد ایران و نفوذ نهادهای وابسته به سپاه

شرکت فولاد خوزستان، به‌عنوان دومین قطب تولید فولاد در ایران و یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان محصولات فولادی، جایگاهی راهبردی در صنعت و اقتصاد ایران دارد. این شرکت مستقیم و غیرمستقیم برای حدود ۱۵ هزار نفر اشتغال ایجاد کرده و نقش مهمی در زنجیره تولید و صادرات فولاد ایفا می‌کند. فولاد خوزستان در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، با وجود محدودیت‌های شدید در تامین برق و چالش‌های گسترده انرژی، نزدیک به ۵ میلیون تن تولید داشت که بخشی از آن در بازار داخلی عرضه و بخش دیگری صادر شد. میزان صادرات این شرکت در سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد چشمگیری ۲/۶۷ درصدی داشته و درآمد فروش آن نیز در نیمه نخست سال، حدود ۴۱ درصد افزایش یافته است.

از نظر ظرفیت تولید، شرکت فولاد خوزستان به‌تنهایی حدود ۸/۳ میلیون تن شمش فولادی در سال تولید می‌کند که با راه‌اندازی خط تولید یک میلیون تنی فولادسازی شادگان در سال ۱۴۰۴، ظرفیت تولیدش به حدود ۵ میلیون تن شمش فولادی افزایش یافته است؛ اقدامی که جایگاه این مجموعه را در بازار داخلی و صادراتی بیش از پیش تقویت کرده است.

در حوزه مالکیت، ساختار سهامداری این شرکت نیز همواره مورد توجه بوده است. در گذشته یکی از سهامداران اصلی فولاد خوزستان، «گروه توسعه اقتصادی یاس» معروف به هلدینگ یاس بود که به‌عنوان بازوی اقتصادی بنیاد تعاون سپاه شناخته می‌شد. این هلدینگ، در حالی که حدود ۴۹ درصد از سهام فولاد خوزستان را در اختیار داشت، در دی ۱۳۹۶ منحل شد.

بر اساس برخی گزارش‌ها، پس از انحلال هلدینگ یاس، سهام این مجموعه به «گروه توسعه اقتصادی پایندگان» منتقل شد. بررسی اسناد منتشرشده در روزنامه‌های ایران نشان می‌دهد که برخی از مدیران این مجموعه به‌عنوان نمایندگان بنیاد تعاون سپاه معرفی شده‌اند. برخی منابع از قراردادهای مهم نظامی سپاه با فولاد خوزستان خبر داده‌اند. مالکیت و نفوذ نهادهای وابسته به سپاه در شرکت‌هایی مانند فولاد خوزستان، در سال‌های گذشته همواره یکی از موضوعات بحث‌برانگیز بوده است.

حمله به فولاد مبارکه اصفهان و خوزستان

نخستین حمله به شرکت‌های فولادی در هفتم فروردین و دومین حمله در یازدهم فروردین رخ داد. در بعد از ظهر هفتم فروردین، بخش‌هایی از تاسیسات برق و کارگاه ناحیه فولادسازی فولاد مبارکه مورد اصابت قرار گرفت. این حمله، یک کشته و ۱۶ مجروح به دنبال داشت. بخش‌های حیاتی این مجموعه، از جمله نیروگاه‌های ۹۱۴ و ۲۵۰ مگاواتی، آسیب‌های جدی دیدند که تأثیر مستقیمی بر روند تولید داشت.

در ادامه این حملات، مدیریت ارتباطات گروه فولاد مبارکه در اطلاعیه‌ای در ۱۳ فروردین گفت که این مجتمع برای دومین بار در تاریخ ۱۱ فروردین هدف حمله قرار گرفته است.

بر اساس این اطلاعیه، شدت حملات و حجم خسارات وارده به‌گونه‌ای بوده که خطوط تولید آلیاژی و نیروگاه‌های کارخانه خسارات سنگینی دیده‌اند و تمامی خطوط تولید به‌طور کامل متوقف شده‌اند.

هم‌زمان با حملات به فولاد مبارکه، مجتمع فولاد خوزستان نیز هدف حملات مشابهی قرار گرفت. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، شدت خسارات در این مجموعه به حدی بوده که در پی اصابت مستقیم به زیرساخت‌های اصلی، تمامی خطوط تولید تخریب و فعالیت کارخانه به‌طور کامل متوقف شده است. یکی از مدیران شرکت فولاد مبارکه اصفهان، که خواست نامش فاش نشود، به بی‌بی‌سی فارسی گفت: «بخش‌های برقی و تولیدی دو شرکت بیشترین خسارت را دیدند. هدف این بوده که تولید متوقف شوند. به همین دلیل به مهم‌ترین بخش‌های این دو شرکت خسارت زدند تا راه‌اندازی مجدد آن به آسانی صورت نگیرد.»

«این حملات خسارت جانی بالایی نداشته اما خسارت مالی زیادی داشته است و تولید آن‌ها به‌طور کامل متوقف شده که برای کل اقتصاد ایران اثر منفی زیادی دارد.»

چرا تعطیلی فولاد مبارکه مهم است؟

تعطیلی فولاد مبارکه اصفهان صرفاً توقف فعالیت یک کارخانه نیست بلکه به منزله اختلال در یکی از گروه‌های اصلی صنعت ایران است. فولاد مبارکه تولیدکننده اصلی ورق‌های گرم، سرد، گالوانیزه و آلیاژی در ایران است؛ محصولاتی که در صنایع کلیدی نقش حیاتی دارند. به‌ویژه در صنعت خودروسازی، شرکت‌هایی مانند ایران‌خودرو، سایپا، بهمن و مگاموتور وابستگی بالایی به این محصولات دارند.

طبق برآوردها در صورت تداوم توقف تولید، خطوط بدنه و شاسی‌سازی خودروها، پس از اتمام ذخایر انبار، ظرف یک تا دو هفته به‌طور کامل متوقف خواهند شد. همچنین در صنعت لوازم خانگی، تولید محصولات مانند یخچال، ماشین لباسشویی و اجاق‌گاز که به ورق‌های سرد و گالوانیزه وابسته‌اند، به‌شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

بخش ساختمان و عمران نیز به‌طور گسترده‌ای به محصولات فولاد مبارکه وابسته است. تولید لوله، پروفیل، سازه‌های فلزی و حتی اجرای پروژه‌های بزرگ دولتی و طرح‌هایی مانند مسکن ملی، همگی با کمبود مواد اولیه و افزایش هزینه‌ها روبه‌رو خواهند شد.

در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی نیز، که برای ساخت خطوط انتقال، مخازن و سازه‌های دریایی به فولاد نیاز دارند، اختلال در تأمین مواد اولیه می‌تواند به‌طور مستقیم زنجیره انرژی کشور را تحت تاثیر قرار دهد.

از منظر اقتصادی، فولاد مبارکه نقشی فراتر از یک بنگاه صنعتی دارد. این شرکت حدود یک درصد از تولید ناخالص داخلی کشور و بیش از ۴ درصد از تولید بخش صنعت را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر، فولاد مبارکه یکی از منابع مهم ارزآوری غیرنفتی ایران است. توقف صادرات این شرکت، به‌ویژه در شرایط جنگی، می‌تواند فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد کرده و به افزایش نرخ ارز و در پی آن، رشد تورم در کالاهای وارداتی دامن بزند.

اهمیت این موضوع تا حدی است که حتی در سیاست‌های تحریمی آمریکا نیز صنعت فولاد ایران به‌عنوان یکی از منابع تأمین مالی دولت، هدف قرار گرفته است.

در کنار این موارد، نباید از پیامدهای اجتماعی هم غافل شد. علاوه بر بیش از ۲۰ هزار شغل مستقیم، اشتغال حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر در زنجیره بالادستی و پایین‌دستی به فعالیت این مجموعه وابسته است.

ارتباط فولاد مبارکه با بیش از ۳۰۰۰ کارخانه و شرکت سبب بروز اختلال طولانی‌مدت آن‌ها شده و به افزایش بیکاری و شکل‌گیری تنش‌های اجتماعی، به‌ویژه در استان اصفهان، منجر می‌شود.

در نهایت، نقش فولاد مبارکه در پروژه‌های زیرساختی نیز قابل توجه است. این شرکت یکی از بازیگران اصلی طرح انتقال آب از جنوب به فلات مرکزی ایران بوده است؛ پروژه‌ای ۸۰۵ کیلومتری که در آستانه بهره‌برداری قرار دارد و هدف آن کاهش برداشت صنایع از منابع آبی داخلی، از جمله زاینده‌رود، است.

در مجموع، تعطیلی فولاد مبارکه حتی در کوتاه‌مدت می‌تواند به‌سرعت به کاهش تولید، افزایش قیمت‌ها، اختلال در زنجیره تأمین و شکل‌گیری موجی از بی‌ثباتی در اقتصاد صنعتی ایران منجر شود؛ موضوعی که اهمیت راهبردی این مجموعه را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

از همه مهم‌تر، با تعطیلی شرکت‌های فولادی، ایران را در کوتاه‌مدت به کشورهای مختلف وابسته می‌کند. کارشناسان اقتصادی معتقدند که ایران برای جبران کسری فولاد، احتمالاً به واردات گسترده از چین روی آورد که این به وابستگی بیشتر به این کشور منجر خواهد شد.

شنبه خونین دبستان شجره طیبه در میناب

صبح شنبه، نهم اسفند، تنها حدود چهار ساعت از آغاز حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به ایران گذشته بود که موشکی به دبستان شجره طیبه در میناب، استان هرمزگان برخورد کرد که موجب کشته شدن ده‌ها دانش‌آموز شد.

تصاویر ماهواره‌ای و تصاویر منتشر شده از لحظات پس از حمله را بررسی کرده است و دریافته علاوه بر بخشی از ساختمان مدرسه که به‌طور کامل تخریب شده است، شش ساختمان دیگر در اثر اصابت موشک‌هایی در محوطه سازمانی سپاه آسیب دیده است؛ از جمله ساختمان یک کلینیک درمانی وابسته به سپاه.

این محوطه سازمانی «مجمع فرهنگی سپاه سیدالشهدا» نام‌گذاری شده است و تابلویی به این نام بر سر در آن در بلوار رسالت میناب نصب شده است، اما دقیقاً مشخص نیست به جز مدرسه و مرکز درمانی چه مراکز فرهنگی دیگری در این مجمع وجود دارد.

با شروع عملیات امداد، شمار قربانیان پس از اصابت موشک به مدرسه، ساعت به ساعت افزایش پیدا کرد تا در نهایت بر اساس آمار رسمی «کشته‌شدن ۱۶۸ نفر و زخمی شدن ۹۶ نفر» تایید شد.

بیش‌تر کشته‌شدگان، دانش‌آموزان دختر و پسر بین ۷ تا ۱۲ سال هستند. چندین معلم و والدین دانش‌آموزان نیز در این حمله کشته شدند. خبرگزاری میزان گفته است در میان کشته‌شدگان ۱۱۰ دانش‌آموز شامل ۶۶ پسر و ۵۴ دختر، ۲۶ معلم زن و چهار نفر از والدین وجود دارند.

با این‌که این مدرسه غیرانتفاعی، دخترانه اعلام شده است اما این مدرسه چهار طبقه داشته و کلاس‌های دانش‌آموزان دختر و پسر در طبقات مجزا بوده است. با این حال شهر میناب در میان اهدافی است که وزارت جنگ آمریکا اعلام کرده در ۱۰۰ ساعت اول جنگ به آن‌ها حمله کرده است. و تحقیقات بعدی نشان داد که در این حملات، این مدرسه نیز مورد هدف یک موشک آمریکایی قرار گرفته است.

توضیح تصویر، بخش راستی آزمایشی بی‌بی‌سی فارسی دریافته که شش نقطه دیگر در اثر اصابت موشک‌های دیگر به «مجمع فرهنگی سپاه سیدالشهدا» آسیب دیده یا کاملاً تخریب شده است از جمله ساختمان یک کلینیک درمانی وابسته به سپاه

بر اساس بعضی گزارش‌های تایید نشده، دو موشک با فاصله کوتاهی از هم با این مدرسه برخورد کرده است. ما در حال بررسی این موضوع هستیم و فعلا نمی‌توانیم با قطعیت این موضوع را تایید کنیم. اما در یکی از ویدیوهایی که از داخل محوطه مدرسه، لحظاتی پس از اصابت موشک را ثبت کرده است، دو ستون سیاه دود مستقیماً از داخل ساختمان مدرسه بلند شده است که نشان‌دهنده اصابت یک یا دو موشک به این ساختمان است. تصاویر ماهواره‌ای و همینطور ویدیوها و عکس‌هایی که پس از حمله گرفته شده‌اند، نشان می‌دهند که بخشی از ساختمان مدرسه به‌طور کامل تخریب شده است.

بر اساس گزارش‌های رسمی، در فاصله کوتاهی پس از آن که دولت ایران اعلام کرد که تمام مدارس کشور تعطیل شده‌اند، حدود ساعت ۱۰:۴۵ دقیقه، حمله به مدرسه انجام شد.

یک شهروند میناب که با بخش راستی‌آزمایی بی‌بی‌سی فارسی صحبت کرده است، می‌گوید که مسئولان مدرسه در حال اطلاع‌رسانی به والدین بودند که بیایند فرزندان‌شان را از مدرسه ببرند که موشک به مدرسه برخورد کرد.

این فرد می‌گوید والدینی که نام‌شان در میان کشته‌شدگان است، آمده بودند دنبال فرزندان‌شان. اما آن‌ها هم همزمان با عزیزان‌شان کشته شدند. نام یک نوزاد دو ماهه هم در لیست دست‌نویسی از اسامی کشته‌شده‌ها همراه با تاریخ تولد آن‌ها در رسانه‌های ایران منتشر شده است که احتمال می‌رود او نیز همراه والدین بوده است.

مدرسه شجره طیبه در شمال شرقی مجموعه فرهنگی سپاه سیدالشهدا قرار دارد. تصاویر ماهواره‌ای موجود نشان می‌دهد که محوطه آن دست‌کم از حدود ده سال پیش، شهریور ۱۳۹۵، با دیواری از محوطه این مجموعه جدا شده است و ورودی‌ها و خروجی‌های مجزا دارد. اولین تصویر ماهواره‌ای که پیش از احداث این دیوار در دسترس است مربوط به مهر ۱۳۹۲ است؛ زمانی که ساختمان مدرسه و محوطه آن بخشی از این مجموعه بوده است.

به گفته یکی از ساکنان محلی میناب که با بخش راستی‌آزمایی صحبت کرده است، در نزدیک این پایگاه سپاه شهرک المهدی قرار دارد و همین‌طور ساختمان‌های مسکن مهر که موجب رشد جمعیت در این منطقه شده است. برای همین این مدرسه در ساختمانی که در مجموعه سپاه بود، تاسیس شد. مدرسه شجره طیبه فقط مختص به فرزندان سپاهی‌ها نبوده است و همه شهروندان می‌توانستند فرزندان‌شان را در آن ثبت نام کنند. این منبع محلی گفته است، چند نفر از نزدیکانش که اصلاً ارتباطی با سپاه نداشته‌اند و جزو کسبه محل هستند، فرزندان‌شان را آن‌جا ثبت‌نام کرده بودند که در این انفجار کشته شدند.

بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ساختمان کلینیک شهید آبالان سپاه در این مجموعه نیز آسیب دیده است. محل این کلینیک با ویدیویی که از بلوار رسالت روبروی ضلع جنوبی این ساختمان گرفته شده است، هم‌خوانی دارد. در این ویدیو تابلوی «مجمع فرهنگی سپاه سیدالشهدا» و «درمانگاه تخصصی شهید آبالان وابسته به فرماندهی بهداشتی نیروی دریایی سپاه پاسداران» دیده می‌شود.

این کلینیک در دی ماه ۱۴۰۳ افتتاح شد

قدیمی‌ترین تصویر ماهواره‌ای موجود از ساختمان این کلینیک مربوط به مرداد ۱۳۸۰ است که نشان می‌دهد این ساختمان بخشی از مجموعه سپاه پاسداران بوده است.

با مرور تصاویر ماهواره‌ای سال‌های بعد می‌توان دید که در اردیبهشت سال ۱۴۰۲، دیواری ساخته شد که این کلینیک را از مجموعه سپاه جدا می‌کند. بررسی تصاویر ماهواره‌ای در فروردین ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ورودی این کلینیک هم مجزا شده است. این کلینیک بخش‌های مختلفی از جمله اطفال، زنان و زایمان، قلب و عروق و دندانپزشکی، آزمایشگاه، سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی، داروخانه و مرکز سلامت خانواده هم دارد. بر روی نقشه گوگل‌مپ که در دسترس همگان قرار دارد، مشخصاً نام داروخانه بر روی قسمتی از ساختمان کلینیک دیده می‌شود.

به گفته منبع محلی که با ما صحبت کرده است، این کلینیک نیز پس از افزایش جمعیت در منطقه تاسیس شد و به همه شهروندان خدمات درمانی ارائه می‌کرد و فقط مختص به کارکنان سپاه نبود.

عکسی از یک برجک مراقبت در گوشه‌ای از این مجتمع در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که بر روی دیوار بیرونی آن نوشته شده است «دبستان و پیش‌دبستانی دخترانه شجره طیبه نیروی دریایی سپاه».

در تصویر ماهواره‌ای، این برجک در گوشه جنوب شرقی این مجموعه دیده می‌شود.

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که تا اردیبهشت ۱۴۰۲ سه برجک مراقبت در گوشه‌های شمال غربی، جنوب غربی و جنوب شرقی این مجموعه متعلق به سپاه وجود داشته است و پس از این تاریخ تنها برجک گوشه جنوب شرقی باقی مانده است.

در ویدیویی که که از خارج از این مجتمع، از بلوار رسالت روبروی ضلع جنوبی آن، گرفته شده است سه ستون دود مجزا قابل مشاهده است. محل تقریبی ستون‌های دود با محل ساختمان‌های تخریب شده مجتمع سیدالشهدا که در تصویر ماهواره‌ای دیده می‌شود، هم‌خوانی دارد.

در تصویر ماهواره‌ای می‌بینیم که یکی از این ساختمان‌ها در شمال مجموعه کاملاً نابود شده است.

در دو ساختمان دیگر در غرب این مجتمع و همین‌طور در ساختمان کلینیک آثار تخریب دیده می‌شود. هم‌چنین در شرق کلینیک هم آثار تخریب در دو نقطه وجود دارد.

نیروی دریایی در میناب، بخشی از نیروی پنجم دریایی سپاه پاسداران در جنوب ایران است که مقر آن در بندر لنگه قرار دارد. یکی از بخش‌های این نیرو تیپ موشکی عاصف در شهر میناب است.

تیپ موشکی عاصف دارای چهار گردان است و از آن به عنوان مهم‌ترین تیپ موشکی نیروی دریایی سپاه یاد می‌شود. آبان ماه سال ۱۳۹۱ در جریان اختلاف‌های ایران با امارات متحده عربی بر سر جزایر سه‌گانه، ایران یک رزمایش دریایی برگزار کرد که نیروی دریایی سپاه با چهار گردان وابسته به تیپ موشکی عاصف یک رزمایش موشکی سه روزه در منطقه میناب در نزدیکی تنگه هرمز برگزار کرد.

در گزارش‌های بعضی از رسانه‌ها آمده است که تیپ عاصف در مجتمع فرهنگی سپاه پاسداران سیدالشهدا که به مدرسه دخترانه چسبیده واقع شده است، اما بی‌بی‌سی فارسی هنوز نتوانسته این موضوع را تایید کند.

از آغاز جنگ، نیروی دریایی ایران از اهداف اصلی اسرائیل و آمریکا بوده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در روز سوم جنگ گفت نیروی دریایی ایران از بین رفته است. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) نیز در بیانیه‌ای حملات به نیروی دریایی ایران را تایید کرد و گفت ناو پهپادبر شهید باقری را در همان روز اول جنگ مورد حمله قرار داده و از بین برده است.

دادستان شهر میناب شمار کشته‌شدگان را ۱۶۸ و زخمیان را ۹۶ نفر اعلام کرده است. در تصاویری که پس از انفجار از عملیات آواربرداری و امداد منتشر شده است، دیده می‌شود بعضی از اجساد به علت شدت آسیب قابل شناسایی نیستند. در بعضی تصاویر می‌بینیم تنها دست یا پای کودکان به جا مانده است. روزنامه اعتماد نیز گزارشی منتشر کرده است از مادری به نام محدثه فلاح که دو فرزند دختر و پسرش را به نام‌های مهدیه و امین احمدزاده، ۱۱ و ۶ ساله در این مدرسه از دست داده است.

حمله به انستیتو پاستور؛ ضربه به یک قرن تاریخ پزشکی ایران

در بامداد ۱۳ فروردین ۱۴۰۵ - ۲ آوریل ۲۰۲۶، انستیتو پاستور ایران هدف حملات هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل قرار گرفت. در پی این حمله و آسیب گسترده به ساختمان مرکزی و آزمایشگاه‌های این مجموعه، مقام‌های مسئول درباره احتمال انتشار ذرات آلوده در محدوده اطراف آن هشدار دادند و بر استفاده از ماسک‌های فیلتردار تاکید کردند.

حمله به انستیتو پاستور ایران، فقط آسیب به یک مرکز پژوهشی و درمانی نیست؛ این حمله نهادی را هدف قرار داد که از دل فروپاشی بهداشت عمومی در سال‌های پایانی قاجار زاده شد و به یکی از پایه‌های پزشکی مدرن و تهیه واکسن تبدیل شد.

هم‌زمان، تدریس آدهانوم گبریسوس، دبیرکل سازمان جهانی بهداشت، با اشاره به گزارش‌های مربوط به حمله به مراکز درمانی و بهداشتی در تهران، نسبت به تداوم این روند ابراز نگرانی کرد.

اما اهمیت این حمله فقط در خسارت امروز خلاصه نمی‌شود. انستیتو پاستور ایران تنها یک مرکز آزمایشگاهی یا پژوهشی نیست؛ این نهاد بخشی از حافظه تاریخی پزشکی مدرن در ایران است. نهادی که در دوره‌های شکل گرفت که جامعه ایران، هم‌زمان با زخم‌های جنگ، قحطی، آب ناسالم، وبا، طاعون، آبله و نبود بهداشت عمومی، در یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخ معاصر خود به سر می‌برد.

نهادی که در دل یک بحران ملی متولد شد

برای فهم ارزش انستیتو پاستور تهران، باید به واپسین سال‌های قاجار برگشت؛ به دورانی که بیماری‌های واگیر نه یک بحران مقطعی، بلکه بخشی از زندگی روزمره مردم بودند. در آن زمان، ایران نه نظام بهداشت عمومی منسجمی داشت، نه ابزارهای مدرن تشخیص بیماری، نه ظرفیت کافی برای تولید واکسن و سرم.

در چنین فضایی، فکر تأسیس نهادی که بتواند به شکل علمی با آبله، هاری، وبا و دیگر بیماری‌های عفونی مقابله کند، معنایی بسیار فراتر از بنیان‌گذاری یک موسسه اداری داشت. این، در واقع، تلاشی برای نجات جان انسان‌ها و عبور از درماندگی مزمن پزشکی و بهداشتی بود.

مهدی قدسی، از روسای پیشین انستیتو پاستور ایران، در خاطرات خود ریشه این فکر را با روایتی زنده و انسانی شرح می‌دهد. او می‌نویسد: «اندیشه این کار خیر از سال‌ها قبل در ذهن شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما وجود داشت. از آن‌جا که مادرش، مرحومه شاهزاده هما خانم، مسجد و مدرسه‌ای به نام خود در مجاورت منازل مسکونی خانواده خویش بنا نموده و آن‌جا را مرکز بحث علوم الهی و مجالس مفصل روضه‌خوانی و انعقاد مجالس ترحیم بزرگان قرار داده بود، فرزندش مرحوم فرمانفرما نیز در این فکر بود که یادگاری پایداری از خود به جا گذارد... تا آن‌که موضوع تأسیس انستیتو پاستور ایران به میان آمد؛ آن‌وقت شاهزاده فرمانفرما با عجله نزد والد نگارنده که امام مسجد مادر او بود آمد و نیت خود را اعلام داشت.»

قدسی در ادامه این خاطرات می‌نویسد: «پدرم پرسید: قصد دارید بیمارستانی بسازید؟ فرمانفرما فرمود: خیر، می‌خواهیم خانه‌ای بنا کنیم که در آن مایه آبله بی‌زیانی بسازند و سگ‌ها گزیده‌ها را درمان کنند و با امراض مقاربتی مبارزه نمایند و بالاخره برای تمام امراض انسانی و حیوانی مایه‌های مبارزه و معالجه

فراهم آورند... پدرم که در همان ایام یک دختر مبتلا به آبله در خانه داشت، به وی گفت: حضرت والا، عجله کنید که از بنای این خانه دری از بهشت برین به روی شما و فرزندان شما گشوده خواهد گشت.»

این نقل، فقط یک خاطره نیست. در آن می‌توان وضعیت عمومی جامعه را دید؛ جامعه‌ای که بیماری در آن حضوری همه‌جانبه داشت و تاسیس چنین نهادی می‌توانست تفاوتی واقعی در زندگی و مرگ مردم ایجاد کند.

از کنفرانس صلح پاریس تا پایه‌گذاری یک نهاد علمی در تهران

تاسیس انستیتو پاستور ایران به فضای پس از جنگ جهانی اول و سفر هیأت ایرانی به پاریس برای شرکت در کنفرانس صلح گره خورده است. در آن مقطع، دولت ایران در پی تقویت دانش پزشکی و نهادهای علمی کشور بود و تماس با انستیتو پاستور پاریس به نقطه آغاز یک همکاری تاریخی بدل شد. مهدی قدسی، در این باره می‌نویسد: «در سال ۱۲۹۸ شمسی-۱۹۱۹ میلادی، دولت ایران به فکر تجدید روابط علمی خود با کشور فرانسه افتاد و برای تعالی دانشکده پزشکی جوان خود به فکر استخدام پزشکان فرانسوی افتاد و حصول این مقصود را به عهده هیأت نمایندگی سیاسی خود که برای شرکت در کنفرانس صلح عازم پاریس بودند واگذار نمود.»

او در ادامه، از ترکیب این هیأت و نقش پزشکان ایرانی حاضر در آن یاد می‌کند و می‌افزاید: «همراه هیأت نمایندگی سیاسی ایران که به وسیله مرحوم محمدعلی فروغی ذکاءالملک و شاهزاده فیروزمیرزا نصرت‌الدوله هدایت می‌شد، مرحوم دکتر محمدحسین لقمان ادهم، رئیس طبای سلطنتی و رئیس دانشکده پزشکی ایران، و مرحوم دکتر حکیم‌الدوله، پزشک مخصوص شاهزاده فرمانفرما، عازم اروپا شدند تا در انتخاب پزشکان فرانسوی که باید به خدمت دولت ایران درآیند، صاحب‌نظر باشند.»

به روایت او، دیدار این گروه با امیل رو، رئیس انستیتو پاستور پاریس، نقطه‌ای تعیین‌کننده بود: «در همان ملاقات اول به واسطه حسن نیت کاملی که طرفین داشتند، اساس و شالوده انستیتو پاستور ایران را پی‌ریزی کردند.»

این همکاری بعدها با امضای توافق‌نامه‌ای میان مقام‌های ایرانی و مسئولان انستیتو پاستور پاریس رسمیت پیدا کرد و زمینه را برای راه‌اندازی موسسه‌ای مشابه در تهران فراهم آورد.

تشخیص دقیق بیماری‌ها برای نخستین بار

اهمیت انستیتو پاستور ایران فقط در تولید واکسن خلاصه نمی‌شد. این نهاد، پزشکی ایران را وارد مرحله‌ای تازه کرد؛ مرحله‌ای که در آن بیماری‌ها نه فقط از روی علائم ظاهری، بلکه با آزمایش، مشاهده میکروسکوپی و روش‌های علمی تشخیص داده می‌شدند.

قدسی درباره این تحول می‌نویسد: «تا آن زمان پزشکان ایران هیچ‌وقت به تشخیص قطعی امراض عفونی که در ایران بسیار شیوع داشت، اعم از این که بیمار می‌مرد یا شفا می‌یافت، ناائل نمی‌شدند؛ زیرا علایم بالینی بیماری‌ها که در اشخاص متنوع بود برای مشخص‌نمودن بیماری کفایت نمی‌کرد، اما از وقتی که انستیتو پاستور در ایران شروع به کار کرد، بسیاری از بیماری‌ها از قبیل سوزاک، سیفلیس، طاعون، سیاه‌زخم، سالک، مالاریا، سل، ذات‌الریه، جذام، دیفتری، قند ادرار، آلبومین ادرار و... پس از چند دقیقه پس از یک امتحان میکروسکوپی و رنگ‌آمیزی میکروب به‌طور قطع مشخص می‌شد.»

در کشوری که دهه‌ها با بیماری‌های واگیر دست‌وپنجه نرم می‌کرد، این تحول فقط یک پیشرفت علمی نبود؛ تغییری بنیادین در نسبت جامعه با بیماری، درمان و امید به بقا بود.

در دهه‌های بعد، انستیتو پاستور ایران به یکی از مراکز مهم تولید واکسن، سرم و دانش پزشکی در منطقه بدل شد. تولید واکسن آبله، وبا و حصبه، درمان هاری، پژوهش درباره فلج اطفال، و بعدتر تولید واکسن ب.ث.ژ، بخشی از کارنامه نهادی بود که در دوره‌ای حتی واکسن‌هایش به برخی کشورهای دیگر نیز صادر می‌شد.

در روایت‌های تاریخی مربوط به این موسسه، از نقش مارسل بالتازار در مبارزه با طاعون و وبا، از سهم انستیتو در مهار بیماری‌های واگیر، و از جایگاه آن در نوسازی بهداشت عمومی ایران به‌عنوان بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر یاد شده است. همچنین تاسیس نهادهایی مانند سازمان انتقال خون، ضدعفونی آب تهران و همکاری با موسسه رازی، از جمله اقداماتی است که نام انستیتو پاستور ایران را با تاریخ تحول سلامت عمومی در ایران گره زده است.

مارسل بالتازار، پزشک و پژوهشگر فرانسوی، یکی از چهره‌های مهم در تاریخ انستیتو پاستور ایران بود که از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ شمسی-۱۹۴۶ تا ۱۹۶۱ میلادی، ریاست این موسسه را بر عهده داشت. او در دوره مسئولیتش، نقشی فراتر از مدیریت اداری ایفا کرد و به یکی از معماران توسعه علمی و بهداشتی انستیتو بدل شد. فعالیت‌های او به‌ویژه در زمینه پژوهش درباره بیماری‌های واگیر، از جمله طاعون و هاری، جایگاه انستیتو پاستور ایران را در شبکه علمی و بهداشتی منطقه تقویت کرد. در سال‌های ریاست بالتازار، این موسسه نه‌فقط به مرکزی برای تولید و پژوهش، بلکه به یکی از نهادهای اثرگذار در بهداشت عمومی ایران تبدیل شد؛ نهادی که سهم مهمی در گسترش واکسیناسیون، کنترل بیماری‌های عفونی و تثبیت پزشکی مدرن در کشور داشت.

حمله به یک ساختمان، یا آسیب به حافظه پزشکی ایران؟

برای همین است که خبر حمله به انستیتو پاستور ایران را نمی‌توان صرفاً یک خبر روز جنگی دانست. این رخداد، علاوه بر پیامدهای فوری بهداشتی و نگرانی‌های مربوط به آلودگی محیطی، معنای نمادین و تاریخی هم دارد. هدف قرار گرفتن نهادی که از دل یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران سر برآورد و برای

یک قرن بخشی از زیرساخت سلامت عمومی کشور بود، فقط آسیب به یک مجموعه فیزیکی نیست؛ آسیبی است به حافظه‌ای تاریخی که با نجات جان انسان‌ها، واکسیناسیون، کنترل بیماری و شکل‌گیری پزشکی مدرن در ایران پیوند خورده است. در زمانه‌ای که بار دیگر جنگ، سایه خود را بر زندگی مردم انداخته، یادآوری تاریخ انستیتو پاستور ایران شاید از همیشه معنادارتر باشد: این نهاد محصول دوره‌ای بود که جامعه ایران می‌کوشید از دل ویرانی، ابزاری برای بقا بسازد. شاید ارزش واقعی آن نیز هنوز در همین معنا نهفته باشد.



جمع بندی:

در حالی که تنها اندکی پیش از پایان ضرب‌الاجل تعیین شده از سوی دونالد ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز، جهان در انتظار دور تازه‌ای از حملات آمریکا به زیرساخت‌های ایران بود، رییس‌جمهور آمریکا شامگاه سه‌شنبه اعلام کرد تهدید خود برای گسترش فوری جنگ را فعلاً به مدت دو هفته معلق می‌کند؛ اقدامی که مشروط به پذیرش آتش‌بس دو هفته‌ای از سوی ایران و بازگشایی «کامل، فوری و امن» تنگه هرمز شده است. ترامپ هم‌زمان مدعی شد تهران یک طرح ده ماده‌ای «قابل اجرا» برای صلح ارائه کرده و گفته است تقریباً بر سر بیش‌تر موارد اختلاف گذشته تفاهم حاصل شده، اما این دوره دو هفته‌ای برای نهایی کردن توافق لازم است.

شورای امنیت ملی ایران اعلام کرد آتش‌بس دوهفته‌ای را پذیرفته است. عباس عراقچی به نمایندگی از شورای امنیت ملی ایران اعلام کرد به مدت دو هفته تردد امن در تنگه هرمز در هماهنگی با نیروهای مسلح ایران و با نظرداشت محدودیت‌های فنی موجود مقدور خواهد بود.

این عقب‌نشینی، در شرایطی صورت گرفت که ترامپ تا ساعتی پیش‌تر با لحنی کم‌سابقه تهدید کرده بود اگر ایران تا ساعت ۸ شب به وقت شرق آمریکا شروط واشنگتن را نپذیرد، پل‌ها، نیروگاه‌ها و دیگر اهداف غیرنظامی در ایران را هدف قرار خواهد داد. پیش از آن نیز او گفته بود از بابت ارتکاب احتمالی جنایت جنگی «اصلاً» نگران نیست؛ موضعی که با واکنش تند حقوق‌دانان، مقام‌های بین‌المللی و حتی بخشی از فضای سیاسی آمریکا روبه‌رو شد. آسوشیتدپرس و رویترز گزارش داده‌اند که این تهدیدها در داخل و خارج آمریکا به‌عنوان نشانه‌ای از تشدید خطرناک بحران و حتی احتمال نقض آشکار حقوق بین‌الملل تلقی شده است.

در پس این چرخش ناگهانی، نقش میانجی‌گری پاکستان پررنگ بوده است. شه‌باز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، رسماً از ترامپ خواسته بود دو هفته به دیپلماسی فرصت دهد و در مقابل، ایران نیز در همین دوره تنگه هرمز را به‌عنوان «حسن‌نیت» باز کند. رویترز گزارش داده است که تهران این پیشنهاد را به‌طور مثبت بررسی می‌کرد و کاخ سفید نیز گفته بود ترامپ در جریان این درخواست قرار دارد. همین فضای میانجی‌گرانه به‌نظر می‌رسد زمینه تصمیم جدید واشنگتن را فراهم کرده باشد، هرچند هنوز نشانه‌ای از توافق نهایی یا مصالحه پایدار دیده نمی‌شود.

بازتاب فوری این تحول بیش از همه در بازار انرژی دیده شد. بهای نفت که در پی تشدید بحران اوج گرفته بود، پس از اعلام خبر آتش‌بس به‌شدت سقوط کرد و هر دو شاخص اصلی نفتی به زیر ۱۰۰ دلار در هر بشکه بازگشتند. نفت برنت در مقطعی با بیش از ۱۳ درصد کاهش به حدود ۹۴ تا ۹۵ دلار رسید و نفت وست تگزاس اینترمدیت نیز بیش از ۱۴ تا ۱۵ درصد افت کرد و در محدوده ۹۵ تا ۹۶ دلار معامله شد. بازارها این افت را نشانه امید به بازگشایی تنگه هرمز و ازسرگیری صادرات نفت از خلیج فارس تلقی کردند. با این حال، همه بخش‌های بازار انرژی چنین خوش‌بین نیستند. مدیرکل اتحادیه بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی گفته است حتی اگر تنگه هرمز باز شود، بازگشت عرضه سوخت جت به سطح عادی ممکن است ماه‌ها طول بکشد، زیرا ظرفیت پالایشی خاورمیانه در این جنگ آسیب دیده و این اختلال فقط به سوخت هواپیما محدود نمی‌شود. در نتیجه، هرچند قیمت نفت خام ممکن است کاهش یابد، هزینه سوخت هوایی احتمالاً برای مدتی بالاتر از معمول باقی خواهد ماند.

در حاشیه این تحولات، بحرین اعلام کرد پس از یک حمله منتسب به ایران توانسته آتش‌سوزی در یک مرکز نامشخص را مهار کند و در این حادثه تلفات جانی گزارش نشده است. چند کشور خلیج فارس نیز تقریباً هم‌زمان با اعلام آتش‌بس، هشدارهای امنیتی صادر و پدافند هوایی خود را فعال کرده بودند.

با وجود این مکث دو هفته‌ای، اوضاع میدانی هم‌چنان بسیار متشنج است. در گزارش زنده آسوشیتدپرس آمده بود که آمریکا روز سه‌شنبه بار دیگر اهدافی نظامی را در جزیره خارک هدف قرار داده و جنگنده‌های اسرائیلی نیز به پل‌ها و خطوط راه‌آهن در ایران حمله کرده‌اند. هم‌زمان، مقام‌های ایرانی هشدار داده‌اند که اگر

تهدیدها ادامه یابد، تهران حملات خود به زیرساخت‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی اسرائیل و هم‌چنین مراکز مرتبط با آمریکا در منطقه را تشدید خواهد کرد و می‌کوشد آمریکا و متحدانش را «برای سال‌ها» از نفت و گاز منطقه محروم کند. این تهدیدها نشان می‌دهد تعلیق موقت حملات، به‌معنای کاهش واقعی خطر جنگ نیست، بلکه تنها زمان بیش‌تری برای آزمودن مسیر مذاکره فراهم کرده است.

کاخ سفید در همین حال کوشیده است مواضع ترامپ را به‌عنوان تلاشی برای جلوگیری از «ویرانی بیش‌تر» توضیح دهد. آنا کلی، سخنگوی کاخ سفید، در واکنش به انتقادات گفت ترامپ در کنار غیرنظامیان بی‌گناه ایران ایستاده و هدف او نابودی «تروریست‌هایی» است که به گفته او جهان را با تهدید هسته‌ای روبه‌رو کرده‌اند. اما همین استدلال، تناقض آشکار میان ادعای حمایت از غیرنظامیان و تهدیدهای علنی برای بمباران زیرساخت‌های حیاتی ایران را از میان برده است. در نتیجه، آنچه فعلاً رخ داده نه پایان بحران، بلکه عقب‌نشینی تاکتیکی و اشنگتن در آستانه یک تصمیم بسیار پرهزینه است؛ تصمیمی که اگر مذاکرات در این دو هفته به نتیجه نرسد، می‌تواند دوباره منطقه را به لبه یک فاجعه بزرگ‌تر بازگرداند.

چهل روز از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران و حملات هوایی به نقاط مختلف ایران می‌گذرد. در این مدت، شهرها نه فقط با صدای انفجار که با لایه‌ای از دود، آلودگی و نگرانی برای سلامت مردم بیدار شده‌اند. در میان خبرهای هر روزه از کشته و زخمی شدن غیرنظامیان، یک خطر دیگر نیز آرام و بی‌صدا در حال گسترش است و آن بحران سلامت ناشی از تخریب و آتش‌سوزی در زیرساخت‌های صنعتی و انرژی است.

از زمان آغاز جنگ ویرانگر با حملات مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران، میلیون‌ها نفر به ویژه کودکان در ایران و اسرائیل و لبنان آسیب‌های شدیدی دیده‌اند. وضعیتی که مستقیماً با افزایش اضطراب، اختلال خواب و فرسودگی روانی در جامعه مرتبط دانسته می‌شود. فرسودگی روانی تنها به ترس از موشک‌ها محدود نمی‌شود؛ نشانه‌هایی از بی‌اعتمادی و سرخوردگی نیز در حال گسترش است.

از آن‌سو، آلودگی‌هایی که مرز نمی‌شناسند. یکی از ویژگی‌های آلودگی‌های صنعتی، فرامرزی بودن آن‌هاست. دود و ذرات معلق ناشی از آتش‌سوزی‌های بزرگ می‌توانند با جریان‌های جوی به کشورهای همسایه منتقل شوند. در همین حال آلودگی آب‌های خلیج فارس نیز تنها یک مسئله محلی نیست و می‌تواند بر اکوسیستم دریایی کل منطقه تاثیر بگذارد. به همین دلیل نهادهای بین‌المللی محیط زیست همواره تأکید می‌کنند که حفاظت از زیرساخت‌های صنعتی پرخطر در زمان جنگ، بخشی از امنیت زیست‌محیطی جهانی محسوب می‌شود.

در مجموع، تهدید پیش‌رو نه یک بحران ناگهانی، بلکه نوعی «فرسایش تدریجی» در امنیت غذایی است؛ روندی که با رشد قیمت‌ها آغاز می‌شود، به کاهش دسترسی اقشار مختلف می‌انجامد و در صورت تداوم، می‌تواند پیامدهایی مانند سوء‌تغذیه، نارضایتی اجتماعی و فشار بیش‌تر بر اقتصاد کشور به همراه داشته باشد.

اکنون تنها گزینه قطعی در این میان بازگشایی مسیر تنگه هرمز است. کرولاین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، اعلام کرد طرح ۱۰ بندی ارائه‌شده از سوی ایران برای پایان درگیری، می‌تواند مبنایی برای ادامه مذاکرات باشد.

لیویت چهارشنبه ۱۹ فروردین به اظهارات دونالد ترامپ اشاره کرد و با استناد به آن گفت این طرح می‌تواند مبنایی عملی برای گفت‌وگو باشد و این مذاکرات ادامه خواهد داشت.

توافق آتش‌بس میان طرف‌های مختلف درگیری در جنگ در حالی اعمال شد که ایران در طول این جنگ بیش از ۱۹۰۰ موشک و نزدیک به پنج هزار پهپاد به کشورهای مختلف شلیک کرد. در سوی مقابل، آمریکا و اسرائیل نیز شمار بسیاری از کشتی‌ها و هواپیماها و تسیسات آفندی و پدافندی ایران را هدف قرار دادند و ده‌ها مقام ارشد سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، را کشتند.

حکومت ایران شمار دقیق کشته‌شدگان در این جنگ را اعلام نکرده، اما هرانا، ارگان فعالان حقوق بشر ایران مستقر در آمریکا، از کشته شدن دست‌کم ۳۶۳۶ نفر شامل ۱۷۰۱ نفر غیرنظامی از جمله ۲۵۴ کودک خبر داده است.

اسرائیل تاکنون از مرگ ۲۵ نفر از شهروندان این کشور در حملات موشکی ایران خبر داده و گفته است بیش از ۷ هزار و ۶۰۰ نفر نیز در این حملات مجروح شدند. ارتش آمریکا نیز از مرگ ۱۳ نفر از نظامیان این کشور در جنگ اخیر و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ نفر دیگر خبر داده است.

در لبنان، مقام‌های رسمی از ۱۵۳۰ کشته در حملات اسرائیل از دوم مارس تاکنون سخن گفته‌اند که دست‌کم ۱۲۹ کودک در میان آنان هستند. در عراق دست‌کم ۱۱۷ نفر، در اسرائیل ۲۳ نفر در اثر حملات موشکی ایران و لبنان، و ۱۱ سرباز اسرائیلی نیز در جنوب لبنان کشته شده‌اند. در امارات متحده عربی ۱۳ نفر، در قطر ۷ نفر، در کویت ۷ نفر، در بحرین ۲ نفر، در عمان ۲ نفر، در عربستان سعودی ۲ نفر، در سوریه ۴ نفر، در کرانه باختری ۴ زن فلسطینی و در یک سرباز فرانسوی فرانسوی نیز جان باخت.

به این ترتیب، هرچند توافق کنونی فعلاً مانع یک تشدید خطرناک‌تر شده، اما فضای بی‌اعتمادی و تهدید هم‌چنان بر روابط دو طرف سایه انداخته و معلوم نیست این آتش‌بس ادامه پیدا کند و دو هفته‌ای به توافقی پایدار بینجامد یا تنها وقفه‌ای کوتاه در مسیر ازسرگیری جنگ باشد.

چهارشنبه نوزدهم فروردین ۱۴۰۵-هشتم آوریل ۲۰۲۶